همچنین در رمضان به وقت افطار و ختم سحری نیز این توپ فیرمی گردید و مردم با انتظار زیاد به صدایش گوش می دادند و باشنیدن آن خردسالان شادی و هیاهو سر میدادند. فرارسیدن عیدهم با آتش توپ گذرگاه اعلام میگردید و صدای آن برای همه شادی و مسرت می بخشید. استاد علاوه کرد: صوفی عبدالحمید خان کندهاری برای این توپ یك ماشهٔ اتومات ساخته بود که پوره به ساعت ۱۲ بجه روز از راه شیشه ذره بینی بالای باروت توپ روشنی می افتید باروت در می گرفت و با آن توپ به شکل اتومات فیرمی کرد. بدینترتیب مردم وقت را می فهمیدند، با توپ چاشت نان چاشت را میخوردند، با فیر شام روزه را افطار میکردند و با توپ سحری غذا خوردن را قطع می کزدند و روزه را آغاز می نمودند. توپچی آن سالها صابر نام بود.

توپ گذرگاه و صدای پرهیبت آن برای همه شهریان کابل آشنا بود. هراسی تولید نمیکرد و در عوض با شنیدن آواز آن زن و مرد و پیر و جوان و طفل دور سفره های شان می نشستند. غذاهای شان را می چیدند. از مهمانان شان پذیرایی میکردند، صابر توپچی را زیاد دوست داشتند و در مورد او قصه ها و حکایات زیادی ساخته و پرداخته بودند.

درس سوم

برق

استاد بعد از احوالپرسی با شاگردان گفت: امروز در بارهٔ اختراعی صحبت می کنیم که تمام وسایل تمدن را روح داد و ماشین پیشرفت زنده گی بشر را بیش از پیش سریع و سریعتر ساخت، اما قبل ازینکه موضوع را زیر بحث بگیریم شما بگویید که من در بارهٔ کدام اختراع با شما صحبت خواهم کرد؟

یکی نام طیاره را گرفت، دیگری نام کشتی را و آندیگر نام موتر را اما شاگردان زیاد به یك صدا گفتند: استاد برق را می گویید!

استاد آنان را تمجیدو تحسین کرد و گفت: بالکل درست است من امروز با شما در بارهٔ برق صحبت میکنم!

وپس از لحظه کوتاهی به سخنرانی خویش آغاز کرد: در قرن نزده تأثیر برق آسمانی و مقناطیسی کشف شد و تجارب علمی مربوط به برق را سرعت بخشید، در دههٔ سوم قرن نزده از نیروی برق به پیمانهٔ وسیع استفاده شد. ماشینهای زیادی توسط برق چرخیدند و ماشینهای تولیدی برقی بوجود آمدند و بعد از آن ادیسن طریقهٔ روشن کردن گروپ را توسط برق نیز اختراع کرد و ارزش برق بیشتر گردید و ساحهٔ استفاده از برق روز به روز فراخ و فراختر شد.

خالد پرسید: برق به افغانستان چه وقت آمد؟

استاد جواب داد: اسناد نشان میدهد که امیر عبدالرحمن خان برای به کارانداختن برق اقدام کرده بود و داینهویی را به کار انداخته بود که چهل دانه گروپ را روشن می کرد. اما در وقت امیر حبیب الله خان از بطریها آنقدر برق بدست می آمد که شبها ارگ را روشن می ساخت. برای تولید برق ۱۱۰ ولت ده بطری به کار بود و برای برق ۲۲۰ دو برابر آن. بطریها روزانه توسط آفتاب چارج می گردیدند و برای تولید برق یك شبه کفایت می کرد.

استاد علاوه کرد: در سال ۱۹۰۴ م ماشین سینمایی که انگلیسها به کابل آورده بودند، نیز توسط همین بطریها کار می کرد، بعد از آن حکومت در جبل سراج فابریکهٔ برق آبی را رویدست گرفت و در دورهٔ سراجی کار آن تکمیل شد.

حامد پرسید: بعد ازین برق در کشور عمومیت یافت؟

استاد جواب داد: در وقت امیر حبیب الله خان فابریکهٔ آبی برق ثمری نداد اما بعد از استرداداستقلال این فابریکه به فعالیت آغاز کرد. ماشینهای این فابریکه امریکایی بود که توسط انگلیسها آورده شده بود و انجنیر امریکایی به نام "جویت" برای ساختن آن استخدام شده بود.

سنگ بنیاد این فابریکه در سال ۱۲۹۲ شمسی (۱۹۱۳م) گذاشته شد و در سال ۱۹۱۹ به پایهٔ اکمال رسید، وقتیکه اعلیحضرت امان الله خان استقلال افغانستان را اعلان کرد امریکایی مذکور یك پرزهٔ حساس ماشین برق را با خود برد و از افغانستان برامد اما این پرزه توسط کارگران هندوستانی ساخته شد و فابریکه در سال اول سلطنت اعلیحضرت امان الله خان آغاز به تولید کرد و سلامخانهٔ ارگ را روشن ساخت.

برق تولید شده در فابریکهٔ برق جبل سراج می توانست که تمام شهر کابل آنوقت را روشن کند.

یما پرسید: در بارهٔ برق کسی احساس خطر نمی کرد؟

استاد گفت: در بارهٔ برق یك خاطرهٔ جالب نیز هست، سالی پس از حکمرانی امان الله خان، جهت تقدیم راپورکار سالانه مجلس بزرگی در سلامخانه ترتیب شده بود که شاگردان حربیه و حبیبیه نیز به آن دعوت شده بودند، امیر درین مجلس در بارهٔ کارهای یکساله سخنرانی داشت و وقتیکه به موضوع برق رسید به سوی چراغ هزار شمعهٔ که در آنجا روشن بود اشاره کرده گفت: برق چقدر یك نعمت بزرگ است که شب را به روز تبدیل می کند، با این گفته گروپ کفید و سوخت. وی با خنده به حاضران گفت: اکنون معلوم گردید که نظر زده نوك دارم بعد ازین احتیاط می کنم که کسی را نظر نه کنم، همه خندیدند.

استاد علاوه کرد: خطرات برق به مردم فهمانده می شد و برای توزیع درست برق "شرکت تنویرات" بوجود آمد که تا سال ۱۳۰۷ در شهر کابل هژده هزار چراغ برق را توزیع کرد و در آن وقت بعضی دستگاههای خورد و بزرگ دیگر برق نیز ساخته شد.

خالد گفت: در افغانستان امکانات تولید برق آبی بسیار زیاد است آیا برای ساختن فابریکه های بزرگ دیگر اقدام صورت نگرفت.

استاد پاسخ داد: چرانی، اقدام گردید، فابریکهٔ برق چك وردك، فابریکه های برق هلمند و کندهار، ماهیپر، سروبی، نغلو و درونته و بعضی فابریکه های دیگر یکی بعد از دیگری بوجود آمدند اما باز هم صنعت برق در تمام کشور گسترده نه شد و بسیاری از ولایات کشور بی برق بودند با آنکه در کشور ما امکانات تولید برق زیاد، آسان و ارزان است و اگر اقدام جدی و لازم صورت می گرفت نه تنها احتیاج ما را ازین رهگذر برآورده می ساخت بلکه احتیاج ممالك همسایه را نیز رفع کرده می توانست.

درس چهارم

تلگراف

استاد در وسط صنف ایستاد. شاد و سر حال بود و گفت: شاگردان عزیز! امروز باز هم در بارهٔ یك کشف جدید صحبت می کنیم، شما انتخاب کنید که در مورد چی صحبت کنیم؟

اسد گفت: استاد امروز در بارهٔ تلگراف صحبت کنید!

استاد گفت: بسیار خوب است! تلگراف دو نوع است: بی سیم و سیمدار. با پیشرفت تمدن انسانها ضرورت داشتند که پیام خود را از جایی به جای دیگردر کمترین فرصت برسانند، بخاطر رفع این احتیاج تلگراف بوجود آمد.

گل محمد گفت: استاد مخترع تلگراف کیست؟

استاد تبسم کنان گفت: من هم از همینجا آغاز میکنم! اولین مخترع تلگراف موریس نام دار دو یك امریکایی است که در سال ۱۸۴۴ تلگراف را به کارانداخت. وی برای حروف از نقطه ها و خط ها اشاره هایی ساخت که به امواج برقی تبدیل می گردید. تلگراف دستگاه مرسله و آخذه داشته که مرسله حروف را به امواج برقی تبدیل می کرد و آخذه از امواج هوایی می گرفت و دوباره به حروف تبدیل می کرد و بر کاغذ می نوشت که بعد از اختراع تلفون تلگراف سیمدار نیز بوجود آمد.

احمد پرسید: استاد! تلگراف به افغانستان چه وقت آورده شد؟

استاد به خوشی گفت: قصهٔ عجیب دارد، در وقت جنگ اول جهانی هیأت مشترك ترکیه، آلمان و اتریش به افغانستان آمده بودند، آنها در پهلوی امور سیاسی خویش تنظیم اردوی افغانستان را نیز در دست گرفتند که در جریان کار خویش در تحویلخانهٔ عسکری ناگهان دستگاه تلگراف بی سیم، که قبلاً به امیر به حیث تحفه فرستاده شده بود، بدست شان افتاد یك عضوهیأت آلمانی ، "رولاند" که در امور تلگراف معلومات و تخصص داشت آنرا بعد از ترمیم، در کوه باغ بابر نصب و فعال ساخت. که صدای تلگرافخانه هندوستان را در آن می شنیدند و قونسل هندی نیز بعد از واقفیت برآن شفرهای دولت خود را از همین تلگراف بدست می آورد.

استاد علاوه کرد: این دستگاه در کمپنی "مارکنی" ساخته شده بود و با قوهٔ دو کیلو وات فعالیت می کرد. این دستگاه که توسط حیوانات از جایی به جای دیگر نقل داده می شد در امور عسکری از آن کار میگرفتند و در وقت ضرورت از کابل تا پغمان و جبل سراج مخابره را اجرا می کرد. این دستگاه به سبب نابلدی کار گران از کار افتاد.

سهیل گفت: دوباره تلگراف چه وقت به کشور آمد؟

استاد باز هم با تبسم گفت: آزادی نعمت بزرگ است، وقتیکه افغانستان در سال ۱۹۱۹ آزادی خود را اعلان کرد، هر کشور تلاش داشت که خود را با دولت مستقل افغانستان نزدیك ساخته و همزمان با اعزام نمایندگان و سفراهدایایی پیشکش کند. هیأت صلح انگلیسها که به ریاست "هنری‌دابس" به کابل آمده بود با خود دستگاه تلگراف بی سیم را نیز آورده بود که به موج متوسط به قوهٔ صدوات کار می کرد و تا پشاور مخابرهٔ تلگرافی را انجام داده می توانست. هیأت مذکور در وقت بازگشت این دستگاه را به حکومت افغانستان بخشید و برای آموزش امور تلگراف شش نفر جوان افغانی را نیز باخود برد. همچنین "سوریس" قاصد روسیه

شوروی نیز در ۱۹۲۰ یك دستگاه تلگراف بی سیم را با خود آورد و ضم مکتوبی آنرا بوزارت خارجهٔ افغانستان بحیث تحفهٔ دولت شوروی به دولت افغانستان تقدیم کرد. این دستگاه در ارگ به کارانداخته شد و روابط تلگرافی را با تاشکند و پشاور تامین می کرد.

محمد آصف گفت: تلگراف سیمدار چه وقت به افغانستان آورده شد؟

استاد گفت: من پیشتر گفتم که تلگراف سیمدار بعد از تلگراف بی سیم اختراع شده بدین سبب به افغانستان نیز تلگراف سیمدار بعد از تلگراف بی سیم وارد شده است. در سال ۱۳۰٦ (۱۹۲۷م) تلگراف سیمدار نیز از کابل تا تورخم به شکل یك لینه تمدید یافت و برای آموزش امور تلگرافی ۲۰ نفر جوان افغانی به شوروی فرستاده شدند. همچنین باروسیه شوروی نیز موافقه تمدید لین تلگراف از کابل تا سرحد تور غوندی به عمل آمد که درین فاصله نیز تلگراف یك لینه تمدید یافت. به راه مزار شریف نیز موافقهٔ لین تلگراف بعمل آمد. همچنین درین زمینه مکتبی در هرات برای تربیهٔ جوانان افغانی درین رشته تأسیس گردید که تحت نظر متخصصین شوروی تعلیم می دیدند و هم مکتبی در کابل تحت رهنمایی استادان ترکی بوجود آمد که یك تعداد جوانان کشور درین ساحه تربیت دیدند و در داخل کشور نیز از دستگاه تلگراف استفاده بعمل آمد.

استاد علاوه کرد: تلگراف آهسته-آهسته در کشور انکشاف کرد و افغانستان در سال ۱۹۲۸ عضویت اتحادیه جهانی تلگراف را حاصل نمود و دستگاههای تلگرافی کشور عندالضرورت تبدیل و تکمیل گردید.

درس پنجم

تلفون

معلم بعد از سلام و احوال پرسی با شاگردان گفت: امروز باز پیرامون ارمغانهای تمدن صحبت می کنیم، شما موضوع درس امروز را انتخاب کنید؟

مهیمن دست خود را بالا کرده و به خاطر پیشنهاد موضوع درس امروز اجازه خواست، بعد از اجازهٔ استاد او گفت: استاد محترم! شما در درس گذشته در پهلوی تلگراف از تلفون نیز ذکری کرده بودید، امروز باید در باره تلفون به ما معلومات دهید.

استاد گفت: آفرین! پیشنهاد خوبی است، اینك موضوع امروز ما راجع به تلفون است، معنی تلفون "سخن زدن ازدور" است. دربارهٔ تلفون در سال ۱۸۵۴ م "بروسل" نام فرانسوی کتابی نوشت و در آن تیوری ساختن تلفون را به پیش کشید اما در سال ۱۸٦۷ یك دانشمند امریکایی به نام "گراهام بل" تلفون را کشف و ابداع کرد. تلفون کردن در مرحلهٔ اول مشکلات زیاد داشت که یك نفر "آپریتر" آنرا رخ می کرد اما در سال ۱۸۹۱ با اختراع تلفون آتومات سیستم مخابرهٔ تلفونی آسان گردید.

یما پرسید: استاد! تلفون به افغانستان چه وقت آمد؟

استاد باز تبسم کرده گفت: قصه تلفون نیز بسیار جالب است، در دورهٔ حکمروایی امیر عبدالرحمن خان پسرش سردار نصرالله خان در سال ۱۸۹۵ به سفرانگلستان رفته بود، برای نامبرده در بازگشت علاوه بر تحف دیگر یك دستگاه تلفون نیز پیشکش شده بود موصوف بدون اینکه اهمیتش را بداند آنرا در تحویلخانه انداخته بود وقتیکه در سال ۱۸۹۹ یك تبعهٔ هند به نام نرنداس به خاطر ساختن آب ولایتی (نوعی از شربت) به کابل آمد و روزی دستگاه مذکور را در تحویلخانه دید به سردار نصرالله خان گفت که وی به امور تلفون نیز بلد است، همان بود که به اجازهٔ ولیعهد سردار حبیب الله خان اولین لین تلفون را که توسط سیم یك لینهٔ مسی کار می کرد- بین مقر سردار حبیب الله خان و سردار نصرالله خان- که یك کیلو متر فاصله داشت- تمدید کرد. لین دوم از مقر سردار حبیب الله خان به قوماندانی کوتوالی کشیده شد، لین سوم از دروازهٔ ارگ تا باغ بابر امتداد یافت، لین چهارم از تعمیر اعیان تا قصر چهلستون برده شد، همچنین لین باغ بابر دو باره جمع و به باغ بالا کشیده شد و یك سال بعد یك لین طویل تلفون از مقر سردار نصرالله خان به چهل تن و پغمان امتداد یافت.

جلال پرسید: به خاطر آموزش امور تلفون اقدامی صورت نه گرفت؟

استاد گفت: چرا نی؟ در همان سال اول که چند خط تلفون در کابل تمدید میشد، چهار جوان افغانی را نرنداس مذکور تحت تربیه گرفت، اما با اخراج نرنداس از افغانستان ساحهٔ تلفون در آنوقت محدود ماند.

مهیمن گفت: بعد ازان برای تلفون کاری شد؟

استاد گفت: هر چندیکه مشکلات و موانع، ایجاد شود باز هم زنده گی پیشرفت میکند، تمدن راه خود را می پیماید، علم و تخنیك کشورهای جهان را با هم نزدیك می سازد. ملتها و کشور ها در انزو او تجرید زنده گی کرده نمی توانند و در افغانستان هم با وجود دشواریها زنده گی راه خود را می پیمود. در وقت حکمروایی امیر حبیب الله خان احتیاج انکشاف تلفون بیش از پیش محسوس شد

و باز هم از هندوستان یك سوچبورد ۲۵ لینهٔ تلفون خریداری گردید و تلفونهای سابق انفرادی همه در آن جابجا شدند که همین سو چبور درا اولین مرکز تلفونی کشور حساب کرده می توانیم. در حوالی سال ۱۹۰۹ م از کابل تا جلال آباد یك تلفون دولینه امتداد یافت که در هرباط گوشکی نیم راهی داشت، بعد از آن از جلال آباد تا لغمان نیز لین تلفون کشیده شد.

عبدالحمید با اشتیاق پرسید: مردم عامه ازین تلفونها استفاده می توانستند، یا نی؟

استاد با الفاظ شمرده گفت: تا اینوقت تلفون مخصوص بزرگان و امور دولتی بود ولی با انکشاف تلفون برای مردم نیز مخابره های محصولی بوجود آمد یعنی هر کس که میخواست از کابل به ننگرهار یا با لعکس مخابره کند، پس از پرداختن مقداری پول میتوانست صحبت کند. اما سخنانش مستقیم نبوده بلکه هر کس مطالب خود را تحریری به تلفونی می داد او به تلفونی جانب مقابل می گفت و او به شخص مطلوب می رساند و جوابش نیز به همین ترتیب می رسید. دران وقت قیمت یك مخابره برابر با دو پیسه بود که محصول سال تمام تلفونها به دو هزار روپیهٔ کابلی می رسید.

استاد علاوه کرد: در آغاز حمکروایی اعلیحضرت امان الله خان علاوه بر سوجبورد ۲۵ لینه یك سوجبورد ۵۰ لینه نیز خریداری گردید که در پسته خانهٔ نزدیك به زیارت شاه دو شمشیره، در پسته خانهٔ نو تأسیس نصب شد، اما بعد از گذشت چند سال دیگر در پهلوی آن یك سوچبورد صدلینه نیز نصب شد و به تمام ولایات کشور شبکه سیمهای تلفون امتداد یافت و کشور تحت پوشش وسیع شبکه های تلفون قرار گرفت، که روز به روز انکشاف یافت و در مرکز تمام ولایات کشور گوشکیهای تلفون به صدا در آمد و با کشورهای خارجی ارتباطات تلفونی قایم گردید.

درسهای ساینس

معلم ساینس ما امروز وقتی آخرین درسش را تمام کرد باشورو شوق زایدالوصفی گفت:

- علاقهٔ شما به درس و پابندی شما به حاضری سبب شدکه نصاب درسی مضمون ساینس ماقبل از وقت معینه اش ختم شود، ما اکنون وقت داریم که در بقیه ساعات درسی به ارتباط آمدن ارمغانهای تمدن به افغانستان گفتگو کنیم. باید بدانیم که تمدن جدید چه وقت در افغانستان پاگذاشت و اختراعات و تخنیك جدید چطور و چه وقت به افغانستان رواج یافتند.

شاگردان باشنیدن سخنان استاد به یك زبان گفتند بحث بسیار جالب است، اما چگونه باید آغاز شود؟

استاد گفت "آسان است، هر روز یك موضوع را زیر بحث می گیریم و در آن باره معلومات خود را تبادله میکنیم. بطور مثال یك روز درینمورد بحث می کنیم که طیاره چه وقت اختراع شد؟ چه وقت به افغانستان آمد؟ عکس العمل مردم در مقابل آن چه بود؟ یا موتر چه وقت ساخته شد؟ چه وقت به کشور ما آمد؟ و چه

درس ششم

رادیو

استاد ساینس بعد از احوال پرسی به شاگردان گفت: امروز پیش ازینکه بحث خود را آغاز کنیم من از شما می پرسم: رادیو را میشناسید؟

شاگردان به یك صدا گفتند: بلی! رادیو وسیلهٔ بسیار خوب تفریحی و باخبری است و در هر خانه جا دارد!

استاد گفت: می فهمید که رادیو را کی و چطور اختراع کرده؟

مهیمن گفت: برای من پدرم از روی یك کتاب معلوماتی گفت که پیشرفت تلگراف بی سیم رادیو را نیز بوجود آورد و بعد از تلاشهای نظری تعداد زیادی از دانشمندان، رادیو تکمیل شد و مورد استفاده قرار گرفت.

استاد گفت: بلی! معلومات تان درست است، هرتس آلمانی از روی معادلات ریاضی ثابت ساخت که قوهٔ برق در فضا به شکل امواج فرستاده شده می تواند ومی توانیم امواج صداهای انسان وغیره را برقی ساخته و به ممالك دور بفرستیم و همین تجربه سنگ بنیاد ایجاد تلگراف بی سیم گردید و بعد از آن

"مارکنی" دانشمند ایتالوی در روشنی همین تجربه در سال ۱۸۹۵ رادیو را اختراع و در لندن به تماشای مردم گذاشت و پسانها در قرن بیستم انکشاف سریع نصیبش شد و اکنون می بینیم که در دنیا رادیوهای بسیار حساس ساخته شده اند.

یما گفت: به افغانستان رادیو شاید بسیار ناوقت آمده باشد یا چطور؟

استاد تبسم کنان گفت: این هم جالب است که به افغانستان رادیو سالها پیش و در همان وقتی که هنوز در مرحلهٔ طفلی بود، آمده است.حکومت اعلیحضرت امان الله خان به سال ۱۳۰۴ شمسی عطاء الله خان را به خاطر آموزش تخنیك رادیو به آلمان فرستاد که در سال ۱۳۰۵ شمسی با چند تن متخصص آلمانی و دو دستگاه فرستندهٔ رادیو دوباره به کشور برگشت، اینجا با سرعت و جدیت کار نصب ستدیو و مرسلهٔ آن اغاز گردید. در میزان ۱۳۰٦ شمسی رادیو تمام مراحل تخنیکی و قانونی خود را طی کرد و در همین سال به اساس نظامنامهٔ خاص نشرات خود را آغاز کرد. پخش ساز و سرود و نشراخباو قسمت مهم نشراتَ رادیو را تشکیل میداد. اولین مدیر رادیو محمد محسن نام داشت. نطاقش سرور گویا بود و استاد قاسم، استاد غلام حسین، استاد نتو، قربان علی ربابی و دیگران در آن آواز میخواندند و ساز مینواختند.

گل محمد گفت: استاد! ستدیوی رادیو در کجا بود؟

استاد گفت: ستدیوی رادیو نیز در جای جالبی بود، تعمیر یکه رادیو درآن قرار داشت به کوتی لندنی مسمی بود و چون سردار نصرالله خان در سال ۱۸۹۵ به لندن سفر کرد و در باز گشت نقشهٔ تعمیرات لندن را نیز با خود به ارمغان آورد و این تعمیر از روی همان نقشه به شکل تعمیرات لندن ساخته شد و این در کشور اولین تعمیر به سبك غرب بود. رادیو از همین کوتی نشرات می کرد و آنتن آن پیش روی کوتی در چمن آن جا به جا شده بود، کوتی لندنی به سمت شمالی پل هارتل روبروی تعمیر حالیه سره میاشت قرارداشت که اکنون در بستر آن پارك کوچکی ساخته شده است. این را هم باید گفت وقتیکه رادیو در کابل به نشرات



کوتی لندنی یا اولین ستودیوی رادیو در افغانستان

آغاز کرد، همسایگان ماهنوز از نشرات رادیو برخوردار نبودند.

مهیمن پرسید: استاد سیتهای رادیو هم با امروز فرق داشت یا چطور؟

استاد گفت: بلی بچیم! سیتهای رادیو بسیار ابتدایی بود، در بین آن چراغی قرار داشت، باروشن شدن چراغ رادیو گرم می شد و بعد از آن به نشرات آغاز می کرد، توسط بطری بزرگیکه انتقالش از جایی به جای دیگر دشوار بود، کارمی کرد، تا آن زمان رادیو های برقی هنوز بوجود نیامده بود، البته در پهلوی آن یکنوع رادیو های گوشکی کرستالی نیز بود که قیمت آن کم بوده به برق یا بتری ضرورت نداشت.

استاد علاوه کرد: قبل از آغاز نشرات رادیویی، ۳۰ پایه رادیوی بطری دار به مردم توزیع گردید که دراو اخر سال ۱۳۰۷ تعداد آن به هزار پایه رادیو رسید.

یما با شورو شوق زیاد پرسید: مردم عامه از رادیو استفاده کرده می توانستند؟

معلم جواب داد: چرا نی؟ در جشنها و اعیاد و در جاهای تجمع مردم و بازارها و چهار راهی های مهم لود سپیکرها را در پایه ها نصب می کردند و تمام مردم نشرات آن را می شنیدند. رادیو در مرحلهٔ اول معمولا روزی دو ساعت نشرات داشت.

خالد با کنجکاوی غصه ناکی پرسید: استاد! این دستگاه رادیو چطور از بین رفت؟

استاد با تاثر زیاد سرخود را تکان داده گفت: افغانستان دایم از دست دشمنان نارآم بود و وقتاً فوقتاً برکشور ماتجاوزهای مستقیم و غیر مستقیم صورت گرفته. در اغتشاش سقوی سال ۱۳۰۷ در جملهٔ ویرانیهای دیگرآن دستگاه رادیو نیز از بین رفت و وقتیکه حکومت نادر خان خواست آنرا دو باره فعال سازد، متخصصین تلگراف شوروی را برای ترمیم آن دعوت کرد، آنها بعد از ملاحظهٔ ستدیو از راه سفارت خود به وزارت خارجهٔ افغانستان خبر داد که از رادیو تنها آنتن آن



یکی از پایه های سمنتی ایکه در حلقه بالایی اش لودسپیکر را نصب می کردند و مردم به خاطر شنیدن رادیو به دور آن جمع می شدند

باقی است و دیگر ماشینهای نشر و مورد احتیاج آن یا شکسته و یا غیر فعال شده و ترمیم آن امکان پذیر نیست و یگانه چارهٔ آن خریداری ماشین آلات جدید برای آن است و بس، از همینرو در طول چندین سال افغانستان نتوانست بار دیگر دارای مرسلهٔ رادیو باشد.

محمد رسول گفت: برای ساختن استدیوی رادیو باز چه وقت اقدام صورت گرفت؟

استاد گفت: درین فاصله مردم با رادیو آشنا شده بود و مردمان پولدار در مرکز و ولایات رادیو ها داشتند که نشرات رادیوهای کشورهای خارج را در آن میشنیدند، از همینرو دولت افغانستان بار دیگر در سال ۱۳۱۴ شمسی برای ساختن استدیوی رادیو اقدام کرد، در سمت جنوبی پل باغ عمومی برای ستدیوی رادیو تعمیر بزرگی ساخته شد و در یکه توت پایه و ماشینهای مرسلهٔ آن جابجا گردید. در ولایات آخذه ها ساخته شد، گروههای هنرمندان، نویسنده گان و ادیبان برای کار در رادیو آماده شدند و باز در اسد ۱۳۱۹ رادیو نشرات امتحانی خود را آغاز کرد و از اول حمل ۱۳۲۰ رادیو کابل رسماً افتتاح گردید و مرحوم سردار محمد نعیم معاون صدارت و وزیر معارف آنوقت اهداف رادیو را در بیانیهٔ افتتاحیهٔ خود چنین بر شمرد: "...رادیوی ماعرفانی است، برای تربیهٔ افکار و تعلیم ملت کار میکند، برای اصلاح بزرگران و دهات است، برای زدودن بیکاری و پخش کارو زحمتکشی است، بخاطر نفع بازرگانان و تجارت و برای ترویج مصنوعات وطنی است، بخاطر کسب و کار و آموختاندن کارهای دستی و عصری است، بخاطر اصلاح خانواده ها است، برای پخش و نشر زبان ملی است، بخاطریست که ما ملت تاریخی افغان از تاریخ تابناك و مفاخر خود آگاه شویم، بخاطریست که این ملت غیور توسط نصایح دینی و اخلاقی از عیش پرستی وضعف اخلاقی دوری گزینند، بخاطریست که شما در آن خبرهای تازه، جالب و پروگرامهای تفریحی بشنوید..."

استاد علاوه کرد: بدینترتیب در کشور نشرات رادیویی دوام کرد و گامهای

انکشافی را به پیش گذاشت. برای تعمیم نشرات رادیویی حکومت در جاهای تجمع مردم پایه های سمنتی را اعمار و در آن لود سپیکرهای بزرگ را گذاشته بودند که لینهایش مستقیماً از استدیوی رادیو کش شده بود و مردم در گردآن جمع می شدند.

پسانترها رادیو در قریه ها و روستاها هم را هش را باز کرد. روستائیان با شوروشوق زیاد دور رادیو حلقه میزدند: اخبار و موسیقی می شنیدند و حظ میبردند. گاهی صاحب رادیو، رادیو را در پیش ارسی میگذاشت. صدای آن را بلند میکرد و پیر مردان و جوانان در صفهٔ قریه آن را می شنیدند و ساعتها پیرامون رادیو و اخبار و نشرات آن بحث میکردند. صاحب رادیو به همه فخر میفروخت و بادی به غبغب داشت که نپرس.

درس هفتم

عکاسی

با آمدن استاد به صنف همه شاگردان به پاخاسته سلام دادند، استاد با مهربانی خاصی سلام شان را جواب داده و به حرفهای خود آغاز کرد:

بر سنگ قبر یك مخترع چنین نگاشته شده است:

"او نور را مجبور کرد تا صحنه های گذران زنده گی را برای همیشه، به همان صورتی که بوده اند، جاویدانه سازد".

شما میدانید که این عبارت بر قبر مخترع چه چیز بایست حك شده باشد؟

چند شاگرد پی هم گفتند: استاد نمی دانیم!

مهیمن دست خود را بالا کرد و گفت: فکر می کنم چنین عبارت برلوح سنگ مخترع عکاسی حك شده باشد!

استاد خوشی کنان برایش گفت: بلی! بلی! جواب بسیار درست است.

و باز علاوه کرد: عکاسی نیز مثل سایر اختراعات آهسته- آهسته و به اثر تفکر و عرقریزی کسان زیاد بوجود آمده و مراحل انکشافی را طی کرده است، اما مخترع واقعی عکاسی یکنفر فرانسوی به نام "ژوزیف نیسه فورنیپس" می باشد که راجع به دوام عکس تجربه ها کرد بعد از آن نقاشی به نام "ژاك مانده داگر" که



یك عکس تاریخی که در افغانستان عکاسی شده است

وی نیز درین زمینه تجربه ها داشت بادانشمند مذکور پیوست. در سال ۱۸۳۳ م با مرگ "فورنیپس" اختراع عکاسی نیم کاره ماند که باز همکارش "داگر" آنرا تکمیل کرد و اکادمی علوم فرانسه این کشف بزرگ را به تمام دنیا رایگان تقدیم کرد، داگر با این اختراع شهرتی کماهی گرد که در سال ۱۸۵۱م (۱۲۳۰هـ ش) مراسم و فاتش با احترام خاصی برگزار شد و سنگ نبشتهٔ یاد شده بر قبرش حك گردید. و بعد از آن عکاسی روز به روز ترقی کرد و اکنون بحدی رسیده که تمام خاطرات زنده گی به آن بسته گی دارد.

یما پرسید: استاد! عکاسی به افغانستان چه وقت آمد؟

استاد تبسم کرده گفت: عکسها بسیار قبل از هندوستان به افغانستان آمد و رجال افغانی که به هند سفر کرده بودند عکسهای یادگاری گرفتند اما کامرهٔ عکاسی جنساً در دورهٔ حکومت دور دوم امیر شیر علیخان در نیمهٔ دوم قرن نوزده به افغانستان وارد شد که توسط آن عکسهای یاد گاری از امیر، خانواده و فرزندان و کابینه اش در همان وقت گرفته شد که تا کنون موجود است.

استاد علاوه کرد: امیر عبدالرحمن خان خاطرهٔ جالبی از عکاسی دارد، میگوید وقتی عکاسی رو برویم ایستاد، کامره را عیار ساخت تا عکسم را بگیرد امانوکری که در پهلویم قرار داشت به فکر اینکه اسلحهٔ خطر ناکی در دستش است و مرا میزند به عجله دوید و دست به کامره اش زد و انداخت. من برایش گفتم: نکو! توسط آن عکس می گیرد، بعد از آن محافظ گریبان عکاس را رها کرد.

عبدالواحد گفت: زمینهٔ عکسگیری برای مردم عامه چه وقت میسر گردید؟

استاد گفت: تا اینوقت عکاسی یا در خارج صورت می گرفت و یا هم عکاسان خارجی که به کشور می آمدند و عکاسی مینمودند اما در وقت امیر حبیب الله خان عکاسان داخلی فن عکاسی را از عکاسان خارجی آموختند و بتاریخ ٦ جوزای سال ۱۲۹۳ شمسی(۱۹۱۴م) یك ستدیوی عکاسی به نام "عکاسخانهٔ شاهی" در پل باغ عمومی افتتاح شد که عکاسان ماهر افغانی درآن کار می کردند و

نوع استفاده از آن به عمل آمد؟ به همین ترتیب سایر وسایل جدید و عصری را نیز زیر بحث می گیریم و معلومات خود را برایتان می گویم و اگر شما نیز چیزی شنیده باشید، بر آن اضافه کنید!

شاگردان همه با یك صدا گفتند: ما بسیار علاقه داریم که این بحث سودمند و جالب را آغاز کنیم!

معلم گفت: بلی! بخیر سر از فردا یك-یك موضوع را دنبال می کنیم!

شاگردان تأیید کنان گفتند: بسیار خوب است!

معلم گفت: امروز خدا حافظ.

شاگردان با خوشرویی پاسخ دادند: پیش روی تان خوبی!

عکسهای طبیعی و یادگاری آن در سراج الاخبار به طبع رسیده است از جملهٔ این عکاسان نامهای یار محمد، درمحمد، احمد شاه و گل محمد بحیث عکاسان مؤظف و معین السلطنة عنایت الله خان به حیث عکاس شوقی به مارسیده است که شستن و چاپ آن را امان بیگ به عهده داشت. *

استاد علاوه کرد: بعد ازین در دورهٔ امانی و بعد از آن کامره های مختلف عکاسی به کشور آمد اما کامره هایی که عکسهای فوری می گرفتند و نمایانگر مراحل اول عکاسی است تا اکنون بوده و مردم برای اسناد و قباله ها توسط آن عکس می گیرند.

درس هشتم

سینما

استاد بعد از احوالپرسی گفت: امروز به تماشا میرویم!

مهیمن گفت: فهمیدم! امروز میخواهید راجع به سینما برای ما معلومات دهید.

استاد تبسم کنان گفت: آفرین! بالکل درست است!

باز پرسید: راستی شما کدام روز به سینما رفته اید؟

همه گفتند: نی استاد! به شما معلوم است که در وقت ما در وازهٔ سینماهای کشور بسته شده است.

استاد گفت: خیر اگر سینما نیست تاریخش است، بیایید درباره اش صحبت کنیم! فکر سینما نیز مانند اختراعات زیاد دیگر در قرن ۱۹ بوجود آمد، بعد از سال ۱۸۵۰ بر عکسهای متحرك تجربه ها آغاز شد که تعداد زیاد دانشمندان کشورهای مختلف جهان درین راستاتجربه ها انجام دادند. آغازش از انگلستان بود، چراغ عکس نما را یك نفر اطریشی اختراع کرد، در سال ۱۸٦۰م یکنفر امریکایی به نام "کلمن سلرز"* عکسهای لحظه های مختلف یك حرکت را تهیه نمود. جان ایساك لحظات مختلف دوش یك اسپ را عکاسی کرد، در سال ۱۸۸۷ م توماس ادیسن

تلاش کرد که عکسهای متحرك را در یك فیته تنظیم کند اما وی بعد از کمك "جارج استن" کامیاب شد که در یك فیته عکسهای حرکتهای مختلف را جابجا کند و با این کامیابی اساس کار فلمگیری گذاشته شد و در سال ۱۸۹۴م " اگوست لومیری" روشنی انداز را اختراع کرد و اولین فلم روی پرده به نمایش گذاشته شد.

خالد گفت: استاد ماشنیده ایم که فلمهای سینما دراول بی صدا بود. تنها عکسهای متحرك را نشان میدادند و بس!

استاد جواب داد: بلی خالد جان درست میگویی همین طوراست!

یما پرسید: فلم و سینما در افغانستان چه وقت پاگذاشت؟

استاد با خرسندی گفت: ارجمندم! موضوع اصلی ما همین است، بلی! سینما در افغانستان ارمغان انگلیسها است، وقتیکه مستردین سکرتر ا مورخارجهٔ هند برتانوی به خاطر تجدید قرار داد تحمت الحمایگی با امیر دست نشانده امیر حبیب الله خان در سال ۱۹۰۴ م به کابل آمد در پهلوی تحفه های دیگر یك پایه پروجکتور سینما را نیز برای شاه عیاش باخود آورد تا امیر و خانوادهٔ کثیرالتعدادش در آن فلم ببینند و وقتش خوش بگذرد.

استاد علاوه کرد: با این ماشین یك گردانندهٔ آن را نیز با خود آورده و به امیر بخشید و بدینترتیب برای اولین بار بر پردهٔ سینما عکسها به حرکت آمدند و سینما در افغانستان قدم گذاشت.

خالد پرسید: استاد سینما چه وقت به دسترس عامه قرار گرفت؟

استاد گفت: بعد از حصول استقلال افغانستان در هر ساحهٔ زنده گی اجتماعی قدمهای نوبرداشته شد، درین سلسله ارمغانهای تمدن نیز رویه فزونی گذاشت و درین زمینه در بارهٔ سینما نیز اقدامات جدید صورت گرفت. در دورهٔ امانی سینما و فلم برای بار اول در برندهٔ سلامخانهٔ ارگ به تماشای مردم گذاشته شد اما بعداً در سلامخانهٔ دورهٔ امیر عبدالرحمن خان پهلوی لیسهٔ استقلال سینمای دایمی ساخته شد که به نام "سینمای کابل" شهرت یافت و تا وقت تسطیح پارك



عمارت سینمای پغمان که در اغتشاش سال ۱۳۰۷ به آتش کشیده شد

زرنگار (۱۳۴۲) هنوز پابرجا بود.

درآن وقت سینما صدا نداشت و فلمهای صامت درآن نمایش داده می شد، جهت خوشی بیشتر تماشا گران در زمان نمایش فلم استاد فرخ افندی و یلون و استاد غلام حسین پیانو می نواختند.

مهیمن گفت: استاد همین یك سینما ساخته شده بود؟

استاد تبسم کنان جواب داد: علاوه بر سینمای کابل، در پغمان نیز سینما تیاتر ساخته شده بود، که تعمیر بسیار عصری داشت و برای صدها نفر تماشاچی چوکیها گذاشته شده بود. درین تعمیر علاوه بر فلمها درامه ها نیز نمایش داده می شد و در روزهای جشن نمایشهای مختلف درامه و فلم عرضه می گردید.

استاد علاوه کرد: سینمای پغمان در اغتشاش سقوی به آتش کشیده شد. باز در دورهٔ ظاهر شاهی در کابل و ولایات تعمیرهای زیادی برای سینما ها بوجود آمد مثل سینمای پامیر، سینمای بهزاد، سینمای میوند، سینمای آریانا، سینمای پارك، سینمای آریوب و سینماهای ولایات.

خالد پرسید: استاد فلمسازی نیز در افغانستان شروع گردید یا نی؟

استاد جواب داد: بلی! در سال ۱۳۲۵ شمسی افغانها اولین فلم را به نام "عشق و دوستی" در هند برطانوی فلم گیری کردند که نویسندهٔ آن مرحوم استاد رشید لطیفی بود. بعد ازان در دههٔ چهل دستگاه فلم پری به کشور وارد شد که بعضی فلمها را گرفت اما در افغانستان فلم به حیث یك صنعت تجارتی رشدو نمو نکرد. در دههٔ پنجاه افغان فلم تاسیس شد که تا اوایل دهه هفتاد چندین فلم هنری و مستند تولید کرد.

درس نهم

تلویزیون

استاد ساینس برای شاگردانش بعد از خوش آمدید گفت: شاگردان عزیز درسهای شیرین خود را دوام می دهیم، برای امروز باز هم موضوع را انتخاب کنید تا پیرامون آن بحث نمائیم!

مهیمن اجازه خواسته با تبسم خاصی گفت: رادیو را در درسهای گذشته معرفی کرده بودید امروز اگر پیرامون برادر رادیو یعنی تلویزیون بحث کنیم خوب میشود.!

تمام شاگردان از پیشنهاد مهیمن استقبال کردند و استاد گفت: من نیز موافق هستم! امروز بیایید به تماشای تلویزیون بنشینیم!

"تلویزیون" از دور دیدن را معنی میدهد و قسمی ساخته شده که امواج برقی صدا و سیما هردو را از مرسله گرفته و در پایهٔ تلویزیون پیاده می کند. امواج تلویزیون بطور مستقیم انتقال میکند و بدین سبب بلندیها و کوهها جلو آنرا می گیرد و در ساحهٔ نشر آن محدودیتها بوجود می آید.

احمد گفت: مخترع تلویزیون کیست و بار اول در کجا مورد استفاده قرار گرفته است؟

استاد گفت: دانشمندان زیادی در قسمت ساختن تلویزیون کار کرده اند تا بدین مرحله رسیده است. بار اول در سال ۱۸۷۳ میلادی یکتن تلگرافر برتانوی به نام "می" مفکوره تبدیل روشنی را به جریان برقی مطرح ساخت، در سال ۱۸۸۸م هالواچس برتأثیرات عکس برقی تجربه ها کرد و باز در نتیجه تلاشهای "برد" انگلیسی و "جنکنز" امریکایی در سال ۱۹۲۵ تجربه فرستادن عکس در امواج کامیاب شد و منبعد یك تعداد دانشمندان دیگر در تکمیل این کار کوشیدند و آزمایشهای ابتدایی تلویزیونی صورت گرفت تا برای اولین بار نمایش اساسی و عمومی تلویزیون در سال ۱۹۳٦ در لندن به تماشای عمومی گذاشته شد و بعد ازان به کشورهای دیگر نیز نشرات تلویزیونی راه یافت، آهسته-آهسته انکشاف کرد و اکنون به کمك اقمارمصنوعی (ستلایت) صدا و سیمای تلویزیونها تمام کره زمین و مناطق دوردست آن راتحت پوشش قرار داده است.

عبدالرشید پرسید: در افغانستان تلویزیون چه وقت به فعالیت آغاز کرده و نشرات خود را به تماشا گذاشته است؟

استاد گفت: در افغانستان تلویزیون پسانتر فعال شده است علت مهم آن کوهستانی بودن افغانستان است که امواج تلویزیونی به سختی در آن انتقال میکند و دوم اینکه افغانستان احتیاجات مقدمتراز تلویزیون داشت و همین باعث شد که ساختن شبکه های نشراتی تلویزیون بسیار به تأخیر افگنده شود.

استاد علاوه کرد: در افغانستان برای ساختن وسایل نشرات تلویزیونی در سال ۱۳۵۱ در وقت صدارت مرحوم محمد موسی شفیق که صباح الدین کشککی وزیراطلاعات و کلتور بود، اقدام شد و مراحل اولی پلانگذاری و ساختمان آن پشت سر گذاشته شد اماکار اساسی و عملی آن در دورهٔ جمهوریت داؤد خان آغاز شد و به مساعدت تخنیکی و علمی جاپان توسط انجینران وزارت معاون و صنایع کار

ساختمان آن به انجام رسید.

مهیمن گفت: ستدیوی تلویزیون در افغانستان در آغاز سیاه و سفید بود یا به طور رنگه نشرات میکرد؟

استاد تبسم کنان گفت: سوال جالب است و باید گفت که در افغانستان در آن سالها کار کم صورت می گرفت اما وقتی که آغاز می شد خوب و اساسی می بود به این اساس تلویزیون نیز در افغانستان به شکل اساسی و پخته آغاز شد. با آنکه در جهان تلویزیون در اول سیاه و سپید بود و بعد رنگه شد اما در افغانستان از همان آغاز دستگاه مجهوررنگهٔ تلویزیون بنیادگذاری شد و آنتن آن در مرکز کابل بالای قلهٔ بلند کوه آسمایی به بلندی پنجاه متر در سال ۱۳۵٦ اساس گذاشته شد.

تلویزیون افغانستان بتاریخ ۲۵ حوت ۱۳۵٦ شمسی نشرات امتحانی خود را آغاز کرد، در پارکهای مهم و جاهای تجمع مردم پایه های تلویزیون گذاشته شد که شهریان کابل بهتر و بیشتر از آن استفاده بتوانند، تصمیم گرفته شده بود که نشرات تلویزیون تا حد زیاد جنبه های تربیتی و تعلیمی داشته باشد دولت فیصله کرده بود که نشرات رسمی تلویزیون بتاریخ ۲٦ سرطان سال ۱۳۵۷ که مصادف باسالگرد جمهوریت است با بیانیه رئیس جمهور محمد داؤد خان افتتاح شود.

احمد با کنجکاوی زیاد پرسید: استاد! تلویزیون به روز معینه افتتاح شد یانی؟

استاد آه سردی کشیده گفت: نی چنین نشد، کودتای خونین هفت ثور ۱۳۵۷ همه چیز را در افغانستان درهم و برهم ساخت، پروگرامهای ملی دولت به تعویق افتاد و حکومت دست نشاندهٔ روس مطابق خواسته های استعمار شوروی برای کمونستی سازی وروسی سازی تمام امور کشور دست بکارشد و از جمله دستگاه تلویزیون را نیز که به ثمر رسیده بود در خدمت سیاست و اهداف ایدیولوژیکی قرار داد.

تلویزیون افغانستان در دورهٔ حکمروایی کمونستان نشرات رسمی خود را

آغاز کرد و بعد از نصب دستگاه شمشاد به حیث پایگاه تلویزیون شوروی قرار گرفت که تا ناوقتهای شب پروگرامها و فلمهای تلویزیون روسیه را ریلی می کرد.

خالد پرسید: در کشور کوهستانی افغانستان تمدید شبکهٔ تلویزیونی چطور امکان پیدا کرد؟

استاد گفت: این کار مشکلی بود اما حکومت وقت به خاطر بر آورده شدن اهداف خود به کمك روسها در ولایات بزرگ و مهم کشور دستگاههای محلی تلویزیون را ایجاد کردند که علاوه بر کابل در بدخشان، بغلان ، بلخ، جوزجان، هرات، فراه، هلمند، کندهار، خوست، گردیز، غزنی، ننگرهار و کنر دستگاههای محلی تلویزیون فعال بودند و به پیمانهٔ وسیع برای تبلیغ اهداف خود ازآن کار می گرفت.

حمید پرسید: اکنون در افغانستان نشرات تلویزیونی هست یا نی؟

استاد باز با تأثر سر خود را تکان داده گفت: دستگاه تلویزیون پس از ثور ۱۳۷۱ در اثر جنگهای تنظیمی و راکت زنی های مداوم خسارات و آسیب فراوان دید. برخی از وسایل آن تاراج شدند یا غیر فعال گردیدند، و بیشتر از دو سه ساعت قادربه نشرات نبود. دستگاه شمشاد که موارد استفاده فراوان پیدا کرده بود از کار افتاد. دستگاههای محلی تلویزیون در اکثر ولایات غارت و تاراج گردیدند و نشرات شان به جز دریکی دو ولایت متوقف گردید.

فعلاً در افغانستان نشرات تلویزیونی نیست، نشرات تلویزیون تحریم شده و سیتهای تلویزیون گاه گاه محکوم به اعدام و سنگسار میشوند.

استاد افزود: به عقیدهٔ من تلویزیون یك وسیلهٔ مهم تعلیم و آموزش است باید در طرز استفاده از آن دقت شود نه اینکه دروازهٔ آن قفل گردد.

درس دهم

موتر

استاد به شکل امتحانی به شاگردان خود گفت: می فهمید امروز دربارهٔ چه بحث خواهیم کرد؟

شاگردان به یك صدا گفتند: نی!

استاد تبسم کنان گفت: برایتان نقل میدهم و آن اینکه انسان دایم آرزو داشته که از جایی به جای دیگر به اسرع وقت و در کمال راحتی و آرامی برسد!

مهیمن گفت: میخواهید که در بارهٔ موتر بحث کنید؟

خالد گفت: اگر در بارهٔ طیاره صحبت کنیم چطور است؟

یما گفت: به نظر من بایسکل وسیلهٔ زودرسیدن است بهتر است در بارهٔ بایسکل معلومات بدهید!

احمد گفت: به فکر من شاید شما خوش داشته باشید که در بارهٔ ریل چیزی بگویید!

استاد باز تبسم کرده گفت: جواب همهٔ تان درست است زیرا این همه وسایل زود رسیدن است اما من میخواهم امروز در بارهٔ ایجاد و رواج موتر برایتان معلومات بدهم و موضوعی که مهیمن جان به آن اشاره کرد برایتان شرح دهم!

درس اول

ساعت

معلم در آغاز درس به شاگردان گفت: اینك امروز طبق وعده در پیرامون اختراعات ساینس و تخنیك بحث می کنیم، زیرا همین اختراعات و انکشافات بود که تمدن بشری را سرعت بخشید، در وقت صرفه جویی به عمل آورد، جهان را با رشته های خطوط هوایی و امواج فضایی، لینهای برق و تلفون نزد یك و نزدیکتر ساخته و به شکل خانوادهٔ واحدی در آورد.

سلیم پیشنهاد کرد: استاد محترم! با در نظر داشت اهمیت وقت و زمان پیش از همه در بارهٔ ساعت که ارزش و اهمیت بسیار دارد، روشنی ببیند ازید!

استاد گفت: بسیار خوب است، وقت در زنده گی انسانها ارزش به سزایی دارد، اما در بارهٔ تقسیم و تعیین وقت و استفاده منظم ازآن انسانها مشکلات زیاد داشتند، از طرف روز وقت را به اساس حرکت آفتاب تعیین می کردند و از طرف شب از روی حرکت ستاره ها وقت را معلوم می نمودند اما گاه گاهی ابرو طوفان تمام پروگرامهای آنها را مختل می کرد و امکانات درست و منظم از وقت را از نزد آنان سلب می کرد.

مهیمن پرسید: معلم صاحب! ساعت را بار اول کی اختراع کرد؟

شاگردان به یك صدا گفتند: درست است!

استاد گفت: انسانها از گذشته آرزو داشتند که از جایی به جای دیگر به سهولت و سرعت سفر کنند، در اول حیواناتی مثل خر، اسپ، شتر، فیل، گاومیش، غژگاو و غیره را یکی پی دیگر اهلی ساختند و مورد استفاده قرار دادند. اما تحول بزرگ وقتی بوجود آمد که انسان "چرخ" یا "ارابه" را ایجاد کردند، چرخها به حیوانات وصل شد و قدرت بار بری حیوان را افزایش بخشید و باز تلاش کرد که این عراده ها توسط وسیلهٔ دیگر بچرخند.

حامد گفت: استاد! فکر ساختن موتر در همین وقت بوجود آمد؟

استاد جواب داد: فکر ساختن موتر از همین جا ریشه گرفت اما تا وقت اکمال موتر وقت زیادی را در بر گرفت.

استاد علاوه کرد: اولین شخصیکه یك وسیلهٔ چهار عراده یی که بدون حیوانات حرکت میکرد، ساخت یك هالندی بود که "سیمون ستوین" نام داشت، وی برعرادهٔ خود باد بانی را بسته بود و به کمك آن توانست که فاصله ٦٨ کیلو متر را در دو ساعت طی کند، بعد از آن در سال ١٦٤٩م (١٠٢٨ شمسی) جان هوتزش عراده یی را ساخت که مثل ساعت توسط یك فنر بزرگ کار می کرد، باز در سال ١٦٨٥ (١٠٦٤ شمسی) یك ساعت ساز به نام "استفان فارفلر" نیز توسط فنر یك گادی را ساخت که بدون اسپ حرکت می کرد، در سال ١٨٤٠م (١١١٩ شمسی) یك دانشمند فرانسوی چنان یك وسیلهٔ نقلیهٔ را طرح و تولید کرد که توسط یك فنر بزرگ حرکت میکرد اما دولت فرانسه در همان روز اول آزمایش به علتیکه سرعت آن زیاد است و باعث حادثات دلخراش خواهد شد، جلو گردش آنرا گرفت.

مهیمن که به معلومات استاد گوش دقیق فرا داده بود، گفت بعد از عراده های فنری چه نوع عراده ها بوجود آمدند؟

استاد در حالیکه توجه عمیق وی را میستود، جواب داد: آفرین، حرف اصلی همین است که ساختمان موتر واقعی بعد ازین آهسته-آهسته تکمیل می شود

و آن عبارت از گادیهاو وسایط نقلیه ایست که توسط بخار حرکت میکنند و به تدریج روبه اکمال میگذارد.

در نصف دوم قرن هژده "سیمینگتین" چندین وسیلهٔ نقلیه را ساخت که توسط بخار حرکت می کردند که آنها را پدرکلان موترها گفته می توانیم، بعد از آن "تروبسك" گادی بخاری را ایجاد کرد و باز در قرن نزده در انگلستان وسایل نقلیهٔ ابتدایی زیادی بوجود آمد اما بخاطریکه درآن ذغال سنگ سوختانده می شد و دود زیاد داشت و هم با بعضی مردم تصادم کرد لذا پیشرفت چشمگیر نصیبش نگردید.

خالد با اشتیاق پرسید: استاد! موتر بعد از آن چطور پیشرفت کرد؟

استاد تبسمی کرده جواب داد: بلی! در فرانسه وسایط نقلیهٔ بخاری نمو کرد و در نمایشگاه سال ۱۸٦۵م (۱۲۴۴ شمسی) مردم علاقه زیادی به آن نشان دادند و همان بود که در نصف دوم قرن نزده موتر هاییکه توسط نفت حرکت می کردند نیز تولید شدند و آهسته-آهسته پیشرفت کرد و در کشورهای مختلف کار ساختن موترها دوام کرد.

مهیمن گفت: در مقابل موتر موانع خاص ایجاد نه گردید؟

استاد باز تبسمی کرده گفت: چرا نی! دراوایل قرن بیست یکتعداد مردم با موتر مخالفت شدید خود را ابراز کردند، آنها می گفتند که موتر مضرتر از شراب و افیون است، و در وسیلهٔ یی که مغز ندارد سفر کردن دیوانگی است.

اما مخالفت زیاد از جانب صدها هزار اهل کسبه یی صورت می گرفت که مصروف ساختن زینها، رکابها، نعلها و دیگر سامانهای اسپها بودند، کاروانسراها داشتند، اسپ فروشی می کردند و توسط اسپها و دیگر حیوانات بارها و مالها را از جایی به جای دیگر نقل میدادند.

یما پرسید: اولین موتر به افغانستان چه وقت آمد؟

استاد با علاقه گفت: موضوع اصلی بحث ماهمین است، موتر به کشور ما



از اولین موترهاییکه به افغانستان آمده و سر نشینان آن ارگ نشینان اند

واقعاً به شکل ارمغانی از تمدن آمده و آن وقتی که مستر دین سکرتر امورخارجه هند برتانوی در دسامبر ۱۹۰۴ به کابل سفر کرد در پهلوی تحفه های دیگر برای شاه وقت امیر حبیب الله خان یك موتر نیز آورده بود که قیمتش در آن وقت هفتصد پوند سترلنگ بود.

خالد گفت: پس ازآن موترهای دیگر نیز آورده شد یا توقف کرد؟

معلم تبسم کنان گفت: بلی! بخاطریکه امیر حبیب الله خان یك شاه استراحت طلب بود و موتر از جانبی وسیلهٔ خوب سیرو سیاحت بود و از جانب دیگر فامیل، خانمها و اولادهای امیر زیاد بودند برای خرید موتر علاقه زیاد نشان داد و در نتیجه روز به روز بر تعداد موترهای سرکاری افزوده می شد و در دسمبر سال ۱۹۱۱م قطار موترها طولانی شد و طبق یك خبر همین ماه سراج الاخبار شاه وقت با کاروانی مشتمل از شش موتر به جلال آباد سفر کردند.

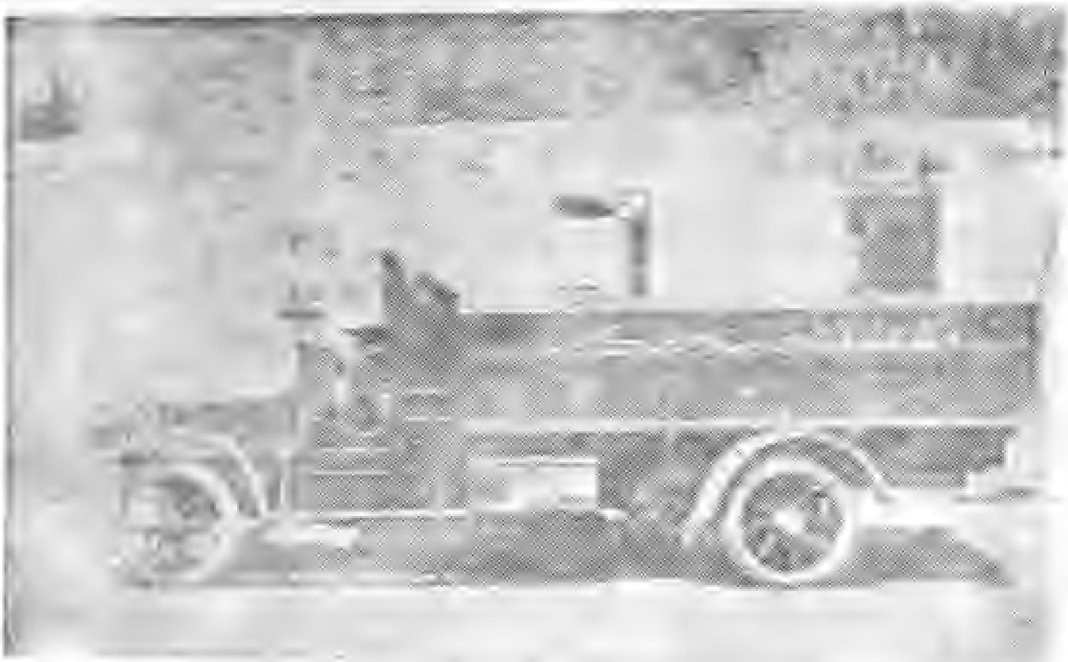
مهیمن گفت: پدر کلانم قصه میکرد که در وقت امیر حبیب الله خان شرکت موتر نیز ساخته شده بود درینباره اگر معلومات بیشتر بدهید!

معلم گفت: به راستی در سال ۱۹۱۳ از طرف حکومت یك شرکت باربری تأسیس گردید که یکتعداد موترهای لاری معمولاً مالهای تجارتی را انتقال می دادند.

استاد افزود: در زمان سلطنت همین شاه علاوه بر موترهای تیز رفتار و لاری بسها و سرویسها نیز به کشور وارد شدند که عکسهای آن در سراج الاخبار به نشر رسیده است.

یما پرسید: اولین موترهایی که به افغانستان آورده شده بود، توسط چه حرکت می کردند؟

استاد جواب داد: اولین موترها همان موترهای بخاری بود که به عوض تیل چوب در آن سوختانده می شد. و از آن بخار تولید می شد و ماشین موتر را به حرکت می آورد، این نوع موترها در دورهٔ امان الله خان نیز رواج داشت.



یکی از موتر های شرکت موتر در دورهٔ امیر حبیب الله خان

استاد علاوه کرد: درین وقت برای سخت کردن و پخته کردن سرکها از رولهای سنگی کار گرفته می شد که توسط فیل کشیده می شدند اما بعداً رولهایی آمد که توسط بخار کار می کرد و سرکها را سخت و پخته می ساختند. و بعد از آن آهسته-آهسته موتر در کشور از دیاد یافت. و اکنون موترهای بسیار لوکس و مجهز جهان در افغانستان موجود است.

درس یازدهم

ریل

استاد گفت: امروز در بارهٔ یك وسیلهٔ نقلیهٔ بسیار قدیمی صحبت می کنیم، شما نامش را گفته می توانید؟

حامد گفت: کشتی را می گویید؟

استاد گفت: نی در بارهٔ کشتی سخن نه داریم!

مهیمن گفت: شاید در بارهٔ ریل برای ما صحبت کنید!

استاد گفت: آفرین درست است و باز گفت: از ریل بار اول به سال ۱۵۵٦م (۹۳۵ شمسی) در معادن ذغال سنگ کار گرفته شد. آهسته- آهسته ترقی کرد و ریل به حیث وسیله نقلیه مردم و اموال توسط انجن بخار سفرهای دور و درازی را انجام داد و خطهای آهن برایش کشیده شد.

استاد علاوه کرد: با آغاز قرن نزده سلسله انکشاف و پیشرفت ریل نیز آغاز گردید و به تاریخ ۲۷ سپتمبر ۱۸۲۵م یك انجن بزرگ بخاری که ۳۴ واگون را در عقب خود داشت به سوی یك سفر دور و دراز حرکت کرد و در وقت رسیدن به منزل ششصد نفر سواری داشت. ریل باز آهسته- آهسته پیشرفت کرد و در دنیا به حیث یك وسیلهٔ مهم انتقالات قبول گردید.

یما پرسید: استاد! به افغانستان ریل آمده است؟



عکس ریلیکه در سال ۱۹۲۷ از طرف دارالامان به صوب شاه دو شمشیره در حرکت و مملو از سواری است

استاد تبسم کنان گفت: افغانستان در بین دو کشور استعماری انگلیس و روسیه قرار داشت و از نفوذ مستقیم هردوی شان حزر میکرد. در وقت امیر حبیب الله خان که با انگلیسها دوستی پخته داشت باز هم حکومت ازین ترس داشت که اگر در کشور خط ریل امتداد یابد و این خط با خطهای ریل هند برطانوی اتصال داشته باشد شاید انگلیسها ازآن برای اهداف استعماری‌خویش استفاده برند از همین سبب بود که در وقت امیر حبیب الله خان موضوع ریل مطرح شد ولی عملی نگردید.

خالد پرسید: بعد ازآن این کار صورت گرفت؟

استاد گفت: بلی! صورت گرفت ولی به شکل اساسی و بنیادی نی بلکه به شکل ذوقی و تفننی و آن اینکه در سال ۱۳۰۵ ش (۱۹۲٦م) از زیارت شاه دوشمشیره علیه الرحمه تا دارالامان یك خط محدود ریل ساخته شد که توسط یك انجن بخاری چندواگون را باخود حمل می کرد و هر روز درین مسیر مردم و اموال را انتقال می داد. خط آن ۹-۸ کیلو متر طول داشت، این خط ریل تا دورهٔ سقوی فعال بود، باز از کار افتاد و آهسته- آهسته آهن خط آن نیز جمع گردید و بعضی بقایای آن در قسمت شمالی قصر دارالامان گذاشته شد که تا کنون نیز نشانه یی ازآن باقیست.

استاد علاوه کرد: وقتی که اعلیحضرت امان الله خان در سال ۱۳۰۷ش (۱۹۲۸م) به سفر اروپا رفته بود با حکومات فرانسه و جرمنی در بارهٔ تمدید خط ریل قرارداد هایی راعقد کرده بود، فرانسه تعهد سپرده بود که از کشك تا کندهار و از کندهار تا کابل خط ریل را تمدید کند و آلمان تعهد کرد که از کابل خط ریل را تا تورخم وصل کند متخصصین کشورهای مذکور برای سروی آمدند اما باز در اثر خرابی اوضاع سیاسی افغانستان، دوباره به وطن خود برگشتند همان بود که تا اکنون نیز خط ریل در کشور بوجود نیامد.

ای بسا آرزو که خاك شده

درس دوازدهم

طیاره

استاد ساینس امروز از خوشوقتی زیاد سرازپا نمیشناخت و بادهان پرخنده گفت: شاگردان عزیز امروز در بارهٔ کدام ارمغان تمدن صحبت نماییم؟

شاگردان که همه شادی و شعف استاد را دیده بودند تبسم کنان گفتند: استاد امروز راجع به طیاره حرف بزنیم!

استاد گفت: آفرین فرز ندان هوشیارم! فکر پرواز از اولین روز پیدایش انسان باوی همراه بود زیرا انسانها وقتی پرنده گان مختلف را می دیدند که می پرند، آنها نیز هوس پرواز در سرمی پرورانیدند اما نمیشد چون بال و پری نداشتند و ساختار فزیکی وجود شان طوری بود که پرواز کرده نمی توانستند. برای نیل به این آرمان و رویای پرواز کردن قرون متمادی اندیشه هایی را در ذهن خود خلق کردند، افسانه ها، اساطیر، داستان ها و حکایات شاه پری وغیره را خلق و آفریدند و شخصیتهای افسانوی را به پرواز در آوردند.

استاد علاوه کرد: بر اساس روایات افسانه گونه بعضی ها برپشت سیمرغان گرسنه بستری را می بستند و از بالا گوشت را برای شان آویزان می کردند سیمرغ در تلاش گوشت پرواز می کرد و انسان را با خود به فضا می برد. بعضی ها بالهارا

استاد برایش گفت: انسانها ارزش وقت را از زمانهای دور میدانستند و برای تعیین آن تلاش میکردند و درین راستا سلسله ای از تجارب دوام داشت، هشتصد تا هزار سال قبل از میلاد ساعتهای آفتابی ساخته شده بود که از روی گردش آفتاب اوقات مختلف روز را تعیین می کردند این نوع ساعت در دورهٔ فراعنهٔ مصرایجاد شده و نمونهٔ بدست آمده آن فعلاً در موزیم برلن محفوظ است. بعد از آن از روی حرکت مهتاب و ستاره ها نیز ساعتهایی ایجاد شد و ساعتهای آب و آتش نیز بود اما کارهمه آن ناقص و نا مکمل بود.

مجیب پرسید: ساعت را کی تکمیل کرد؟ و چگونه تکمیل کرد؟

معلم برایش گفت: برای مسلمانها به خاطر یکه روزانه پنج وقت نماز میخوانند و هر سال سی روز از سپیده دم تا شام روزه می گیرند وقت ارزش بسیار دارد، میگویند که احتیاج ما در ایجاد است از همین سبب بود که مسلمانها ساعت را تکمیل کردند؛ این ساعت بسیار ابتدایی بود، ساعت های ریگی از همین نوع ساعتها بود پسانها پس از تجارب زیاد و گذشت زمان پرزه های مختلف ساعت ابتدایی ایجاد و تکمیل گردید.

احمد پرسید: ساعت به افغانستان چه وقت آمده و مورد استفاده قرار گرفته است؟

معلم جواب داد: ساعتهای خورد ازبسیار سابق به افغانستان آمده بود اما ساعت بسیار بزرگی که به کشور آمده عمرش نزدیك به یك قرن است، این ساعت عبارت از ساعت زنگی ارگ کابل است که در حدود سال ۱۲۹۰ شمسی (۱۹۱۱م) در برج بلندی نصب گردیده است. این برج از زمین تا پوشش صدفت بلندی دارد که در فت هشتاد م آن ساعت بزرگی که به چهار طرف عقربه دارد و توسط یك ماشین حرکت میکند جابجا شده است. عرض داخل برج ۱۲×۱۲ فت می باشد.

محمد اعظم گفت: این ساعت از کجا آورده شده و خصوصیات دیگر آن چیست؟

بربازوهای خود بسته کردند و پرواز های محدود را انجام میدادند یا بالونها را ساخته، به هوا پرتاب کردند.

حامد گفت: استاد! طیارهٔ اصلی چه وقت ساخته شد؟

استاد در جواب گفت: تلاش اصلی برای ساختن طیاره کار برادران رایت بود که در دسامبر سال ۱۹۰۳ انجام دادند. اما با زهم باید گفت که راه پرواز را برای آنان تجارب علمای گذشته هموار ساخته بود. طیارهٔ ساخت برادران رایت به تاریخ ۱۷ دسامبر سال مذکور پرواز آزمایشی خویش را با موفقیت انجام داد و دوباره برگشت که آن طیاره اکنون نیز در نمایشگاه هوایی امریکا نگهداری می شود.

استاد علاوه کرد: با آنکه طیاره به پرواز در آمد اما تا وقت شروع جنگ جهانی اول از طیاره برای حمل اشخاص یا اموال استفاده نشد و اگر استفاده یی ازآن صورت گرفت، بسیار محدود بود و در آن زمان یك طیاره از چهار تا ده نفر را با خود برده میتوانست.

مهیمن به اشتیاق پرسید: استاد طیاره به کشور ما چه وقت وارد شده است؟

استاد بازهم تبسمی کرده گفت: سرگذشت آن عجیب است، اولین طیاره یی که در فضای کشور ما داخل شد یك طیارهٔ انگلیسی بود که در طی جنگ استقلال تا کابل رسید، یك قطعهٔ عسکری را بمبارد کرد و چندراس اسپ را از بین برد و دوباره برگشت، شاه وقت امان الله خان و بعضی مردم دیگر تفنگها را برداشته به سوی آن فیر کردند اما طیاره آسیبی ندید و برگشت.

اما یك طیارهٔ دیگر که محاذ جنوبی جنگ را بمباری می کرد، غازی ها موفق شدند آن را نشانه گیرند وسرنگون سازند که طبق خبر "امان افغان" از صحنه جنگ کمی دور افتاده و پارچه پارچه گردیده است. یك طیارهٔ دیگر از انگلیسها به غنیمت گرفته شد و قصه آن از این قراراست که یك فروند طیارهٔ انگلیسی در پکتیا

در یك جای هموار پایین شده و پیلوت آن مصروف کشفیات بود که در این اثنا چوپانی آمده و پیلوت را اسیر ساخته است. وقتی حکومت خبر شد طیاره را به کابل آورد و به حیث مال غنیمت ضبطش کرد ولی پیلوتش را به شکل حسن نیت دوباره به انگلیسها تسلیم کرد.

اسدالله گفت: افغانستان به خریداری طیارات چه وقت اقدام کرد؟

استاد جواب داد: طیاره ها در جریان جنگ اول جهانی اهمیت نظامی زیادی را کسب کرد و هم در جنگ استقلال کشور سهم تخریبی زیادی داشت به همین خاطر حکومت افغانستان در همان روزهای اول استقلال خود دو فروند طیاره را از کشور آلمان خریداری کرد.

مهیمن پرسید: اولین میدان هوایی طیاره در وطن ما در کجا ساخته شد؟

استاد گفت: در قدم نخستین طیاره ها در دشت خواجه رواش پرواز و فرودرا انجام می دادند، بعد از آن در عقب ارگ در منطقهٔ وزیر اکبر خان امروزی برای طیاره ها میدان ساخته شد و تا وقت تعمیر اساسی میدان خواجه رواش از همینجا، بحیث میدان هوایی استفاده می شد.

خالد گفت: این طیاره ها احتیاجات ما را برآورده میتوانست؟

استاد جواب داد: مشکل بزرگ ما مشکل پیلوتها بود، حکومت افغانستان درانوقت یك نفر پیلوت و یك نفر میخانیك آلمانی را استخدام کرد اما این پیلوت بسیار نالایق بود. دو طیاره را در میدان هوایی آسیب رساند و طیارهٔ سومی را در سال ۱۳۰۳ هنگام بغاوت منگل در جایی فرود آورد که در دست شورشیان قرار داشت، طیاره به مجرد فرود آمدن از کار افتاد و پیلوت را یك منصبدار افغان در لباس بدل با تکلیف زیاد از حلقهٔ محاصره کشیده و به کابل آورد.

شیر محمد گفت: بعد ازین چه اقدامی صورت گرفت؟

استاد جواب داد: بعد ازین حکومت شش فروند طیاره را از شوروی خریداری کرد که یکی ازآن اصلاً طیاره مسافر بریونیکرس آلمانی بود که دو تن

عمله و چهار تن سواری راحمل کرده می توانست و پنج فروند دیگر آن طیارات یك انجنهٔ حربی بود که وظیفهٔ کشف را اجرا می کرد جالب این است که این اولین بار بود که طیاره ها بر بلندی کوه هندوکش پرواز کردند، با آنکه کوه همالیا بلند تر از هندوکش است اما تا آنوقت طیاره ها از کوه همالیا نگذشته بود، ازینرو این بلند ترین پرواز در آنوقت بود.

یما گفت: افغانستان بر همین طیاره ها اکتفا کرد یا بعد ازآن طیارات دیگر را نیز خریداری کرد؟

استاد جواب داد: نی! در سرطان ۱۳۰۴ حکومت شش فروند طیارهٔ دیگر را نیز از شوروی خریداری کرد، و باز در سال ۱۳۰۷ شصت فروند طیارهٔ دیگر را نیز بر آن افزود، آخرین دستهٔ طیارات دو نفر پیلوت افغانی را نیز برای رهنمایی با خود داشت اما بدبختانه که یك فروند طیارهٔ این دسته در خاك شوروی سقوط کرد که در آن اولین پیلوت افغانی محمد محسن خان نیز با پیلوت روس یکجا کشته شد

استاد علاوه کرد: همچنین برای اعلیحضرت امان الله خان در سفر دور و درازی که در سال ۱۳۰۷ به اکثر ممالك دنیا کرد حکومت آلمان یك فروند طیارهٔ یونکرس سه انجنه، حکومت فرانسه یك فروند طیارهٔ ساخت فرانسه و حکومت پولیند یك طیارهٔ سپورتی را به وی تحفه دادند، دو فروند طیارهٔ مسافر بر یونکرس دوانجنه را نیز از شوروی خریداری کرده بود که تعداد عمومی طیارات در سال ۱۳۰۷ به هفتاد فروند می رسید.

محمد داؤد پرسید: استاد برای تربیهٔ پیلوتها حکومت افغانستان کدام اقدامی کرد؟

استاد جواب داد: حکومت افغانستان آرزو داشت که هم یکتعداد جوانان افغانی را برای آموختن پیلوتی به خارج بفرستند و هم یك مکتب آموزش هوایی را تأسیس نماید که باروسها درین زمینه قرار دادی نیز صورت گرفته بود اما روسها بنا بر علت نا معلوم این مکتب را تأسیس نه کرد اما به خارج دسته- دسته از

جوانان افغانی برای آموزش هوابازی فرستاده شدند. پیش از همه سه تن از جوانان افغانی به ایتالیا فرستاده شد که محمد احسان درشق پیلوتی، محمد هاشم خان درشق کشافی و غلام دستگیر خان در رشتهٔ تخنیك تحصیل کردند و در اخیر سال ۱۳۰۳ دوباره به کشور عودت کردند. با آنکه آنها کار عملی را به پیش نه بردند ولی در تشکیل قوای هوایی، استخدام خارجیها و تربیهٔ افغانها خدمات زیادی را انجام دادند.

استاد علاوه کرد: یك نفر جوان دیگر درشق هوابازی در آلمان تربیه دیده بود اما ازآن کار نگرفتند. البته در سال ۱۳۰۳ حکومت به اقدام بزرگی دست زد و آن اینکه بیست تن از جوانان مکتب حربی را تحت سرپرستی کند کمشر عطاءالحق خان به روسیه فرستاد تا در شق هوابازی تربیه شوند، این دسته در حوت سال ۱۳۰۳ حرکت کردند که عده یی از آنها بحیث پیلوتها و بقیهٔ آن به حیث میخانیکها تربیه شدند و بعد ازآن جوانان دیگری نیز برای فراگیری تعلیمات هوابازی فرستاده شدند.

حامد پرسید: از طیاره به حیث وسیلهٔ مسافر بری چه وقت استفاده گردید؟

استاد گفت: در همان دورهٔ امانی با شوروی قرار داد رفت و آمد طیارات مسافر بری عقد شد و بعد ازآن آهسته- آهسته و سایط هوایی کشور انکشاف کرد، در پهلوی طیاره های نظامی طیاره های بزرگ مسافر بری خریداری گردید، آریانا افغان هوایی شرکت تأسیس شد، همچنین طیاره های خورد- خورد برای سیاحت نیز خریداری گردید که به نام طیاره های باختر افغان الوتنه یاد شد و بین کابل و ولایات پرواز داشتند.

استاد علاوه کرد: اکنون اگر شما در افغانستان در بارهٔ طیاره معلوماتی داشته باشید بگویید!

مهیمن دست خود را بالا کرده بعد از کسب اجازه گفت: استاد برایم پدرکلانم قصه می کرد که روزی اعلیحضرت امان الله خان در موتر از چهل ستون

می گذشت طفلی را دید که طیارهٔ کاغذی ساخته با آن ساعت تیری می کند، اعلیحضرت موتر خود را توقف داد، طفل را نزد خود خواست، یك طلای امانی را به طور بخشش به آن طفل داده گفت. آفرین! نوازین طفلی در فکر پیشرفت و ترقی کشور هستی.

استاد گفت. خاطرهٔ بسیار خوبی بود، تا درس دیگر خدا حافظ!

درس سیزدهم

چاپ

استاد امروز پیش از همه در بارهٔ اهمیت کتاب سخنرانی نمود. مهیمن شاگرد بسیار ذکی صنف برایش گفت. استاد! من فکر می کنم که امروز در بارهٔ اختراع چاپ برای ما معلومات میدهید!

استاد با مسرت تمام گفت: آفرین! درست است، اختراع چاپ از اغلب اختراعات مهمتر است. همین اختراع چاپ بود که علم و دانش را از انحصار حاکمان و پولداران کشیده و به دسترس عموم مردم گذاشت.

استاد در بارهٔ پیدایش چاپ گفت: در بارهٔ اختراع چاپ نیز دماغهای زیادی خسته شدند تا بدین مرحله رسید. وسیلهٔ بسیار قدیمی چاپ مهر ها وتاپه ها بود که نقشها در آن حك می شدند و تکه ها را با آن رنگین می ساختند. چینایان بعد از سال ۸٦۸م (۲۴۷ شمسی) کتابهای خود را به جمله های مهر شده زبان خود تاپه می کردند. در سال ۱۰۴۵ میلادی (۴۲۴ شمسی) یك نفر چینی به نام "پی شنگ" برای این نوع چاپ میتود جدیدی را رواج داد، علامات مختلف خط چینی را در توته های جداگانهٔ چوب کند پهلوی هم میگذاشت جمله ای ازآن درست می شد سپس آنرا بر کاغذ تاپه می کرد و بدینترتیب، ازیك متن به آسانی نقلهای

زیادی تاپه و تکثیر میشد و این را میتوان نوعی چاپ و انتشار ابتدایی شمرد

خالد با اشتیاق پرسید: چاپ واقعی چه وقت بوجود آمد؟

استاد جواب داد: تلاشها دوام داشت، اشخاص زیادی در قسمت انکشاف چاپ مواد کار میکردند تا بالاخره گوتنبرگ آلمانی موفق شد که بعوض چوب از فلز حروف سرچپه را بسازد و با چاپ شدن آن برکاغذ راست و درست خوانده شود، وی بار اول در سال ۱۴۴۴م (۸۲۳ شمسی) کتاب مقدس انجیل را توسط حروف ساخت خود چاپ کرد و با طبع این کتاب در دنیای علم تحول بزرگی رخ داد و صنعت چاپ انکشاف کرد و اینك اکنون سخن به چاپ کمپیوتری رسیده است

یما گفت: به کشور ما چاپ چه وقت آمد؟

استاد گفت: مفکر بزرگ افغانستان سید جمال الدین افغانی میخواست یك نظام اسلامی واقعی را در کشورهای منطقه پیاده سازد که از وسایل جدید تمدن استفادهٔ اعظمی بنمایند اما بعد از خروج اجباری از کشور پروگرام ریفورم و اصلاحات خود را به شاه وقت امیر شیر علیخان سپرد و شاه مذکور با تعمیل این پروگرام بار اول مطبعهٔ سنگی را در سال ۱۲۸۷ هـ ق (۱۸۷۰ م) به افغانستان آورد این مطبعه "مطبعه مصطفوی" نام داشت که کتابهای قومانده های پشتو و یکتعداد کتب دینی و طبی را به نشر سپرد.

استاد علاوه کرد: در همین وقت در بالاحصار کابل مطبعهٔ "شمس النهار" نیز نصب و افتتاح شد که به همین نام اولین اخبار افغانستان را نشر کرد، و در همین ایام بود که اولین تکت پسته هم در کشور به چاپ رسید، و جنتری هم به زیور طبع آراسته شد.

خالد پرسید: بعد ازین مطابع ازدیاد یافت و فعالیتهای مطبوعاتی وسعت یافتند یا چطور؟

استاد با تأثر جواب داد: نی! بدبختانه در سال ۱۸۷۸ انگلیسها برای بار



عکسی از شمس النهار که بعد از ورود اولین مطبعه به افغانستان طبع شده است

دوم بر افغانستان تجاوز کردند و با این تجاوز تمام پروگرامها متوقف شد که در این جمله مطبعه و اخبار نیز از بین رفت. در سال ۱۸۸۰ بعد از شکست انگلیس ها و به امارت رسیدن امیر عبدالرحمان خان مطبعهٔ سنگی با کمیت و کیفیت بهتر درفابریکهٔ حربی کابل فعال گردید که بعد از سال ۱۳۰۳ هـ ق (۱۸۸۵م) به صحافت بسیار عالی به نشر کتب و اسناد دولتی آغاز کرد.

در دورهٔ امیر حبیب الله خان مطبعه انکشاف بیشتری کرد، در سال ۱۹۰۶م "سراج الاخبار افغانستان" با چاپ سنگی طبع شد و باز در سال ۱۹۱۱م "سراج الاخبار افغانیه" تأسیس و در مطبعهٔ سنگی چاپ گردید، به سال ۱۲۹۱ هـ ق در کابل مطبعهٔ عنایت تأسیس شد که هشت پایه ماشین طبع سنگی و یك پایه ماشین طبع حروفی داشت و هم دستگاه زینگو گرافی و طبع عکس داشت و باز در همین سال به مطبعه سرکاری کابل نیز ماشین طبع حروفی آورده شد و شمارهٔ اول سال دوم سراج الاخبار افغانیه بتاریخ ۴ میزان ۱۲۹۱ (۱۹۱۲م) توسط ماشین طبع حروفی از چاپ برآمد و در همین دوره کتب و اسناد زیاد دولتی در ماشینهای سنگی و حروفی مطابع مذکوره طبع گردید.

مهیمن پرسید: استاد! ماشینهای چاپ تنها در مرکز بود یا به ولایات نیز برده شد؟

استاد جواب داد: بعد از استرداد استقلال کشور علاوه بر کابل مرکز کشور در برخی از ولایات نیز جراید و کتب به نشر می رسید و دارای مطابع بودند، چنانچه در کابل: امان افغان، ابلاغ، افغان، حقیقت، ارشادالنسوان، معرف معارف، آئینهٔ عرفان، مجموعهٔ عسکریه، مجموعهٔ صحیه، ثروت، انیس، نسیم سحر، نوروز، پشتون ژغ، در جلال آباد: اتحاد مشرقی؛ در کندهار: طلوع افغان؛ در پکتیا: غازی؛ در هرات: اتفاق اسلام؛ در مزار شریف: اتحاد اسلام باز بیدار در خان آباد: اصلاح و در چاریکار: ستارهٔ افغان نشر میشدند.

به مرور زمان مطابع انکشاف بیشتر کرد، در دورهٔ نادری مطبعهٔ عمومی

کابل ساخته شد که مطبعهٔ بسیار مجهز بود و در پهلوی آن مطابع خورد و بزرگ، مرکزی و ولایتی، رسمی و شخصی دیگر بوجود آمدند که هزارها جلد کتاب، رساله، جریده، مجله و روزنامه را طبع کرده است.

خالد پرسید: استاد! در بارهٔ مطبعه اگر واقعهٔ مهم و جالبی رخ داده باشد، برای ما قصه کنید!

استاد تبسم کنان گفت: یك مطلب بسیار جالب راجع به مطبعه و مطبوعات اینست که در سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۹۲۲م) کارهای مطبعهٔ اتفاق اسلام در هرات روبه افزونی گذاشت و ماشین سابقه از عهدهٔ آن برآمده نمی توانست، همان بود که عده یی از استادان افغانی که عبارت بودند از استاد علی اصغر، استاد محمد عظیم، استاد غلام علی، استاد عبدالغیاث، استاد محمد هاشم، استاد جمعه خان و حاجی محمد حسن سراج (=چرمگر) تحت نگرانی استاد عبدالله خان کابلی و تحت مواظبت سید اشرف خان سرپرست چاپخانهٔ هرات چنان ماشین سنگی را ساختند که از ماشینهای خارجی دقیق و بهتر کار میکرد و یك نسخهٔ اتفاق اسلام که این ماشین چاپ کرده بود بسیار زیبا و روشن بود، این اولین ماشینی بود که به دست کار گران افغانی ساخته شده بود و با کیفیت خوب از عهدهٔ چاپ میبرامد.



نمایی از برج ساعت در باغ دلگشا

درس آخری:

وسایل دیگر عصری

استاد گفت: شاگردان عزیز درس امروز ما در بارهٔ اختراعات جدید ساینس درس آخری است زیرا سال تعلیمی به پایان می رسد اما دامنه بحث بسیار زیاد است، در دنیا اختراعات زیادی صورت گرفته و تعداد زیادی از آن به افغانستان نیز وارد شده است که همهٔ آن قابل بحث است.

استاد علاوه کرد: در پهلوی ماشین چاپ بعضی ماشینهای دیگر مانند ماشین تایپ، ماشین تیلی تایپ و اکنون کمپیوتر درین زمینه به افغانستان یکی پی دیگر آمده اندو پیشرفت و انکشاف ادامه دارد بطور مثال در ساحهٔ کمپیوتر آسیاسافت موفق گردیده تمام سمبولهایی که کمپیوتر برای زبان انگلیسی دارد، برای پشتو و دری نیز به کار برد.

مهیمن گفت: استاد موتر سایکل نیز به افغانستان بسیار وقت آمده است؟

استاد گفت: موتر سایکل با موتر یکجا وارد افغانستان شده، برای مردم قابل تعجب بود و آنرا "موترپات پتی" می گفتند، همچنین بایسکل نیز یك اختراع

عجیب و غریبی بود در مرحلۀ اول ایجاد آن، مردم نامش را "اختراع مسخره" گذاشتند و اولین مخترع آن مجبور شد تا به خاطر تبصره های مردم از اختراع خود دست بکشد و باز بسیار بعد تر علمای دیگر برآن کار کردند و موفق شدند.

استاد علاوه کرد: علاوه برین گرامافون، تیپ ریکاردر، فلم ویدیو و بسیاری ازار مغانهای تمدن است که به کشور یکی پس از دیگری آمده و مردم از آن استفاده کرده است.

حامد گفت: در خود افغانستان چیزها ییکه بسیار جالب باشد گاهی ایجاد نه شده است؟

استاد گفت: چرانی؟ هزار و پنجصد سال قبل در هرات و سیستان آسیاهای بادی وجود داشته است که چرخهایش را باد می چرخاند و میلۀ آن سنگهای آسیا را با خود حرکت می داد و اینرا می توانیم به حیث مادر ماشینهای عصری بنامیم، وقتیکه عربها برای انتشار دین مقدس اسلام به افغانستان آمدند این آسیاها را با تعجب تماشا کردند و مؤرخین شان این آسیاهای بادی را با توجه زیاد به مردم خود معرفی کردند و آنرا اختراع تعجب آور توصیف کردند.

استاد علاوه کرد: همچنین مقنع خراسانی چهارده صد سال پیش یك قمر مصنوعی را ساخته بود که هر شب از چاه نخشب طلوع می کرد شهر قرشی را روشنی می داد و دوباره در همین چاه غروب می نمود، این قمر توسط شیشه های جیوه یی ساخته شده بود که روزانه نور آفتاب را ذخیره می کرد و شبهنگام توسط حرکت دورانی این شیشه ها شهر را نور میپاشید و پس دوباره به آن چاه برمی گشت.

حیات الله گفت: اما اکنون با بعضی از ارمغانهای تمدن چون کامره، تلویزیون، سینما و دیگر چیزها مخالفت صورت می گیرد، نظر شما درین باره چیست؟

استاد جواب داد: در بارۀ بعضی از ارمغانهای تمدن در کشور ما موانع

و مخالفتهایی وجود دارد که بعقیدهٔ من جلو گیری از پیشرفت تمدن نا ممکن است و ما باید از این ارمغانها در روشنی شرایط اسلامی و ملی خویش استفادهٔ اعظمی و سالم بنماییم و طوری ازآن کار گیریم که برای مردم ما مفید و ثمر بخش باشد.

مهیمن به نمایندگی شاگردان اظهار داشت: ما نیز عقیده داریم که در مرداب سیلاب تمدن غربی غرق نگردیم و به حیث یك ملت مسلمان و سر بلند تشخص اسلامی و ملی خود را حفظ کنیم و از تمام وسایل تمدن در روشنی منافع دینی و ملی خود استفاده کنیم.

استاد گفت: من این درك سالم و احساس پاك دینی و ملی تانرا می ستایم و شما را به خداوند بزرگ میسپارم!

- تا سال آینده خداحافظ

- خدا حافظ

"پایان"

مآخذ:

۱ - حبل المتین (جریده فارسی زبان کلکته) ناشر: جلال الدین حسین، سال اول، شمارهٔ سوم، سپتامبر ۱۸۹۵م.

۲ - سراج الاخبار افغانیه (جریدهٔ کابل) مدیر: محمود طرزی، سال اول، شمارهٔ ۱۱،۱۵ حوت ۱۲۹۰ ش (۱۹۱۱م).

۳ - سراج الاخبار افغانیه، سال سوم، شمارهٔ هفتم، ۲۲ قوس ۱۲۹۲ش، (۱۹۱۳م).

۴ - امان افغان، شماره های فوق العاده سال ۱۹۱۹.

۵ - امان افغان، سال نهم، شمارهٔ ۳۱، ۲۴ اسد ۱۳۰۷ش (۱۹۲۸م).

٦ - عبدالرحمن خان، امیر: تاج التواریخ، چاپ لاهور.

۷ - مقالات محمود طرزی، گردآورنده: دکتور روان فرهادی، کابل ۱۳۵۵ (۱۹۷٦م).

۸ - آریانا دائرة المعارف پشتو، جلد پنجم، ۱۳۵۴، کابل.

۹ - آریانا دائرة المعارف پشتو، جلد ششم، ۱۳۵۵، کابل.

۱۰ - آریانا دائرة المعارف پشتو، جلد هفتم، ۱۳۵۵، کابل.

۱۱ - حبیبی، پوهاند عبدالحی: د افغانستان تاریخی پیشلیك (کرونولوژی تاریخی افغانستان) ۱۳۵۳، کابل.

۱۲ - فردای افغانستان اسلامی، سیمینار پنجم، وسایل ارتباط جمعی در فردای افغانستان اسلامی، شورای ثقافتی جهاد افغانستان، ۱۳۷۰- اسلام آباد.

۱۳ - آهنگ، محمد کاظم و رفیع، حبیب الله: په افغانستان کښې د ژورنالیزم تاریخچه (تاریخچهٔ ژورنالیزم در افغانستان) انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۵٦، کابل.

۱۴ - فخر داعی، محمود (ترجمه)فردا چه خواهد شد؟ تبریز، ایران، کتابفروشی سروش.

۱۵ - محسن جاویدان، تاریخ اختراعات، ۱۳٦۷؛ تهران، ایران.

۱٦ - دیگون لارس: تاریخ اختراعات، ترجمهٔ کبیر احمد آهنگ، مؤسسه نشراتی افغان کتاب، ۱۳۵۵، کابل.

۱۷ - طرزی، محمد صدیق: استعمال آلات صنعتی و تخنیکی و مدنی در افغانستان، ۱۳۵۳، کابل (نسخهٔ قلمی که مؤلف بنا به لطف خاص بدسترس بنده گذاشته است، روحش شادباد!).

زنده گینامۀ مختصر مؤلف:

نام : حبیب الله رفیع ولد مرحوم ملانصرالله نقشبند.

تولد : ۱۳۲۴ هـ ش، آبدره، سیدآباد، وردک، افغانستان.

تحصیل : در مدارس دینی

ماموریتها :

در کابل : عضو دارالتألیف، انجمن تاریخ، انجمن فولکلور، پشتو تولنه، مرکز تحقیقات پشتو و اکادمی علوم افغانستان؛ مهتمم، معاون و مدیر "پوهنه"، "آریانا"، "زیری" و "فولکلور".

در اسلام آباد :عضو شورای ثقافتی جهاد افغانستان و در پشاور عضو مرکز تحقیقات جهادی افغانستان، انجمن کلتوری افغانستان، انجمن تاریخ افغانستان و مرکز تعاون افغانستان؛ عضو هیأت تحریر و مدیر مجلات "افغان جهاد"، "قلم"، "سپېدې"، "افغانستان، و «تلوسه" و "تعاون".

تألیفات:

۱۱۰ جلد آثار منظوم و منثور تحقیقی و تخلیقی که از طرف مؤسسات علمی، ملی و نشراتی به نشر رسیده است.

کتابخانه سیار اریک

توانا

از سلسله نشریات کتابخانه سیار اریک
نمبر مسلسل ۱۶

معلم برایش گفت: این ساعت در کمپنی "جویس" لندن ساخته شده، توسط مستر "ملر" خواسته شده و زیر مراقبت وی در برج جابجا شده است. این ساعت در همان وقت به نه هزار و پنجصد (۹۵۰۰) کلدار هندی خریداری شده بود. این ساعت در هر چهار سمت شیشه های روشن داشت که شبانه چراغ آن روشن می گردید و مردم از هر طرف شیشهٔ آن را میدیدند و وقت برایشان معلوم می گردید. زنگ ساعت نزدیك به دو خروار (بیش از یك تن) وزن داشت و بعد از گذشت هر ساعت کلنگی بر آن میخورد، بطور مثال در ساعت یك بجه یك ضرب، ساعت دو بجه دو ضرب و همچنین ساعت دوازده بجه دوازده ضرب زده می شد و در هر پانزده دقیقه ترنگی می کرد و آهنگ پرطنین زنگهای ساعت تا دور دستها و چندین کیلو متر میرسید و شنیده میشد.

زلمی پرسید: استاد همین یك ساعت بود یا ساعتهای دیگری هم آورده شده و در جاهای دیگری نصب گردید؟

استاد جواب داد: چندین سال بعد ساعت دیگری نیز آورده شد که به قسمت جنوبی پل محمود خان در برج نصب گردید و این ساعت نیز مثل ساعت سابق به کار انداخته شد.

سمیع الله گفت: استاد این ساعتها با این بزرگی و سنگینی و زنگهای بلند و پرطنین شان مزاحمت ایجاد نمیکردند و آزار دهنده نبودند؟

استاد گفت: درست است که صدایش بلند و تا دور ها میرسید اما درعین حال صدایش نرم، شیرین و مثل صدای یك پیانو خوش آیند بود مردم با علاقه آن را می شنیدند و ضربه هایش را حساب می کردند و شب و روز در جاهای دور به ضربان آن گوش میدادند و از روی آن وقت را تعیین می کردند.

شاکر با شورو اشتیاق پرسید: استاد این ساعتها اکنون نیز هست یا نی؟

استاد با تأثر گفت: نی پسرانم هر دو ساعت اکنون نیست. ساعت برج

ارگ به روز اول کودتای خونین هفت ثور ۱۳۵۷ توسط بمبی که از طیاره پرتاب شده بود با غلطیدن قسمتی از برج از کار افتاد و ساعت برج پل محمود خان بعد از سال ۱۳۷۱ در جنگهای تنظیمی از بین رفت و اکنون حتی نشانی از برج آن باقی نمانده است.

درس دوم

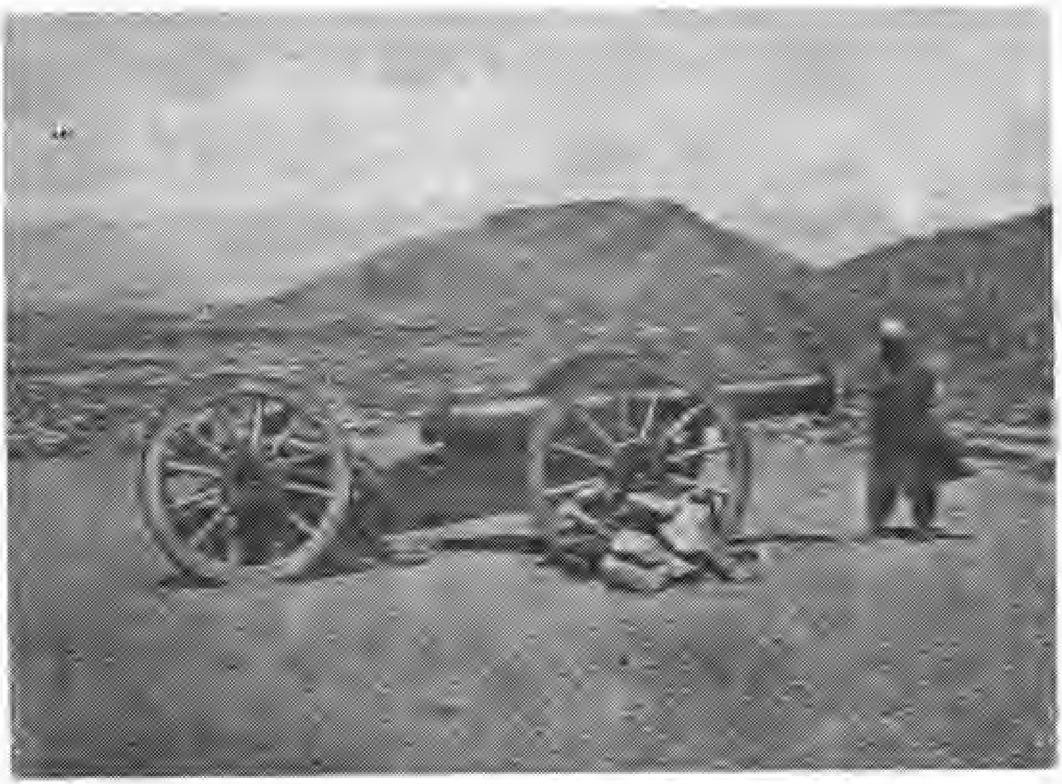
توپ

استاد به شاگردان گفت: امروز در بارهٔ توپ حرف می زنیم، توپ یك اسلحهٔ قدیم جنگی است که حکومتهای ما از آن استفاده می کردند و حتی خودشان می ساختند. احمد شاه بابا در سال ۱۱٦۴ هـ ق (۱۸۵۱ م) برای تسخیر نیشاپور توپ بزرگی را ساخته بود، یك توپ دیگر را که در جنگهای هند تجربه کرده بود "زمزمه" نام داشت که تاکنون نیز در پیش روی موزیم لاهور بحیث سمبول این موزیم نگاهداری می شود، این توپ را به سال ۱۷۵۷ میلادی استاد شاه نظر ساخته که طول میل آن چهار مترو ۴۰ سانتی و قطر میل آن ۲۳ سانتی متر است. همچنین توپهای دیگری نیز است که در جنگها از آن کار می گرفتند.

استاد علاوه کرد: مادر بارهٔ این توپها بحث نمی کنیم بلکه میخواهم برای شما یك توپ جالبی را که برای تعیین وقت به کار می رفت، معرفی کنیم!

شاگردان با یك صدا گفتند: این کدام توپ است؟

استاد جواب داد: این توپ را به پشتهٔ گذرگاه بالا کرده بودند هر روز به ساعت ۱۲ بجهٔ چاشت روز فیر می گردید و مردم را از وقت چاشت خبر می کرد. بخاطری که در آنوقت تعداد کمتری از شهریان کابل ساعت داشتند.



توپ تپهٔ گذرگاه که هر چاشت ساعت ۱۲ را اعلان می کرد

فهرست


ارمغان تمدن
حبیب اللہ رفیع

عکسهای متن و پشتی: از آرشیف سپك و آرشیف نگارنده.

ارمغان تمدن

(تاریخچهٔ ورود وسایل عصری به افغانسان)

نگارنده

حبیب الله رفیع

۱۳۷۸

نام کتاب	:	ارمغان تمدن.
نویسنده	:	حبیب الله رفیع.
ناشر	:	ادارهٔ کتابخانه های سیار اریك
کمپوزر	:	امان الله رفیع
سال طبع	:	۱۹۹۹/۱۳۷۸
جای طبع	:	پشاور

بسم الله الرحمن الرحیم

اریك از دو سال به این سو پروگرام ارسال کتابخانه های سیار را به ولایات مختلف افغانستان رویدست گرفته است. کتابخانه های سیار به شکل صندوقهای فلزی ساخته شده، در محل خاصی گذاشته میشود، مردم منطقه می آیند، کتابهارا به طور امانت می برند، میخوانند و به مردم گرد و نواح خویش میشنوانند، بعد ازان دوباره برمی گردانند و به عوض آن کتابهای دگری را می برند و بدینترتیب تمام کتب کتابخانه در منطقه خوانده می شوند و بعد از آن این کتابخانهٔ سیار به منطقه دگری منتقل می شود.

ما تلاش ورزیده ایم برای این کتابخانهٔ سیار کتابهایی را گرد آوریم که از سویی زبان آن ساده و روان باشد و از جانبی مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشند تا آنها را در زنده گی روزمرهٔ شان مثل زراعت، مالداری، صنایع دستی، مرغداری و غیره مدد رسانند.

ما در پهلوی کتابخانه های سیار این سروی را نیز انجام می دهیم که مردم به چه نوع آثارو مواد نیاز دارند، و میکوشیم خواسته ها و مواد مورد نیاز آنانرا تثبیت و تشخیص نماییم. متأسفانه درینباره کتب مطلوب را بدست آورده نتوانستیم تا در کتبخانه های سیار آنها را به خدمت خواننده گان عزیز پیشکش نماییم.

برای پر کردن این خلا سال پار پیشنهادی به UNOCHA تقدیم شد تا ما را در جهت چاپ و انتشار تعدادی از کتب مورد نیاز و مفید برای خواننده گان ما مساعدت کنند و برای کار سیستماتیک و بهتر یك هیأت مشترك نماینده گان اداره "اریك" و عده یی از محققان و نویسنده گان انتخاب گردیدند تا کار را آغاز نمایند و کتابهای مورد نیاز را یاخود و یا هم توسط مولفان و نویسنده گانی که در موضوع تخصص و مهارت کافی دارند، تهیه کنند و تمام مراحل پلانگذاری، تهیه، چاپ و انتشار آن را مشترکاً به پیش ببرند. این هیأت متشکل است از همکار صمیمی افغانها خانم نانسی هچ دوپری، حبیب الله رفیع، سر محقق زلمی هیواد مل، حسین فخری، محمد فهیم رحیمیار و محمد رفیع.

ما از تمام خواننده گان عزیز خویش در دهات، شهرهای مختلف کشور که از کتابخانه های سیار ما مستفید می گردند متوقعیم که نیازها، خواسته ها و پرسشهای خویش را به ما بفرستند و از تمام نویسنده گان و عالمان کشور تقاضا میکنیم که درین راه با ما همگام گردند تا بتوانیم برای مردم خویش کتب بهتر و مفید تری را تقدیم نماییم!

باً احترام

"ادارهٔ کتابخانه های سیار اریك"